

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران: یک مطالعه فراترکیب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

لیلا بختیاری^۱

مرضیه دهقانی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی پژوهش‌های کیفی مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ انجام شده‌اند تا از این رهگذر، علاوه بر توصیف وضعیت پراکندگی موضوعی این تحقیق‌ها، درباره امکانات سیاستی و اجرایی حاصل از یافته‌های پژوهش‌ها کسب اطلاع شود. بدین منظور، از روش فراترکیب هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (2007) استفاده کرده‌ایم که در آن، از میان جامعه‌ای با ۲۲۸۳ منبع، پس از طی کردن مراحل غربالگری، ۳۵ پژوهش را انتخاب و طی فرایند تحلیل مضمون، نقدهای وارد بر فرایند اجرا و نیز محتوای سند درکنار پیشنهادها و راهکارهای اصلاح آن‌ها را در قالب دوازده مضمون فراگیر شناسایی کرده‌ایم. یافته‌های حاصل از این فراترکیب نشان می‌دهد از جمله مهم‌ترین نقدهای وارد بر فرایند اجرای سند، موارد ذیل را می‌توان برشمرد: وجود نداشتن اجماع نظری و صراحت عملی میان نهادها و بازیگران، شتاب‌زدگی و بی‌برنامگی، صورت‌نگرفتن تفهیم و مشارکت در میان ذی‌نفعان، و ضعف در فرایند ارزیابی. شاخص‌ترین نقدهای وارد بر محتوای سند نیز عبارت‌اند از: ابهام‌داشتن و شفاف نبودن مفاهیم، التقاط روش‌شناختی، ضعف و تعارضات نظری در مفاهیم و مبانی، و کم‌توجهی به تنوع فردی و فرهنگی. براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی را برای اصلاح وضع موجود در دو بخش اجرایی و محتوایی می‌توان مطرح کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تنظیم نقشه راه؛ جلب مشارکت همگانی و فراقوه‌ای با زمینه‌سازی قانونی، علمی، نهادی و نگرشی در راستای حکمرانی اجتماعی؛ اصلاح فرایندهای نظام مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش؛ اصلاح کلیت متن سند؛ روش‌شناسی تدوین و مفاهیم و مبانی نظری آن. در بررسی توصیفی وضعیت پراکندگی موضوعی پژوهش‌ها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیش از نیمی از مطالعات صورت گرفته به نوعی با زیرنظام‌های مطرح در سند تحول، مرتبط بوده‌اند و در نیم دیگر، با رویکردهای درون‌متنی یا برون‌متنی، مفاهیم متعددی در سند مطالعه شده و تنها در تعدادی محدود از تحقیقات، بررسی و نقد اجرای سند صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: سند تحول بنیادین، آموزش و پرورش، فراترکیب، نقد اجرایی، نقد محتوایی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران.

bakhtiari@isuw.ac.ir

۲. دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

dehghani_m33@ut.ac.ir

بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای آغاز هر حرکت تحول‌آفرین، تدوین چشم‌اندازها و اهداف مطلوب در قالب اسناد بالادستی است که متناسب با آن، نقشه راه دستیابی به اهداف با تمام ملاحظات برگرفته از جهان‌بینی و نظام ارزشی موردقبول طراحان و مجریان تحول، قابل طراحی خواهد بود. نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور نیز از این قاعده مستثنا نیست و در حال حاضر، چند سالی است که در نتیجه تلاش ارزنده جمعی از متخصصان، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در این نظام مهم و سرنوشت‌ساز، تدوین شده و مورد توجه دست‌اندرکاران این حوزه قرار گرفته است.

این سند، یکی از گسترده‌ترین طرح‌های کشور به‌شمار می‌آید که با تأکید بر جنبه‌های کیفی و با در نظر گرفتن عناصر بیرونی و درونی و نیز مباحث ساختاری نظام تدوین شده و بر عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثر گذاشته است. سند مورد بحث، مرجع تصمیم‌گیری‌های اساسی درباره نحوه هدایت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور برای دست‌یافتن به تحولات ساختاری و محتوایی است (قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹).

در حال حاضر، حدود ده سال از زمان تصویب و ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌گذرد؛ اما به‌رغم صورت‌گرفتن تلاش‌های سیاست‌گذاران و مجریان آموزشی، موفقیتی چشمگیر در روند اجرایی‌شدن این سند دیده نمی‌شود. این مسئله، موجب بروز نگرانی‌هایی درباره تأخیر در پیشرفت اجرای سند شده و محققان را به واکاوی موانع و چالش‌های موجود در این حوزه سوق داده است؛ مثلاً قجری، مزیدی و شمشیری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای ابهام در نظر و بحران در عمل را به‌عنوان مقوله اصلی در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق خود مطرح کرده‌اند؛ همچنین اخلاقی، صالح صدق‌پور و نویدآدم (۱۳۹۹) به بررسی تحلیلی آینده اجرای اهداف این سند در افق ۱۴۰۴ همت گمارده و نویدآدم و راغب (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی دیگر، مدلی را برای اجرای سند مورد بحث طراحی کرده‌اند.

بی‌تردید، پژوهش در هر حوزه‌ای به شناخت بهتر مسائل واقعی آن حوزه می‌انجامد و با فراهم‌آوردن اطلاعات و دانش معتبر ناظر به توصیف و ارزیابی وضع موجود، و

طراحی وضع مطلوب، به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در تدوین اسناد میان‌دستی کمک می‌کند؛ علاوه بر آن، نتایج تحقیقات علمی، راه را برای مجریان در عملی کردن اسناد بالادستی هموار می‌کند؛ بر این اساس، پژوهش‌هایی که به‌نوعی درباره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته‌اند، اهمیت بسیار دارند و باید رصد و مذاقه علمی در آن‌ها صورت گیرد.

طی این سال‌ها پژوهش‌های زیادی درحوزه مطالعات مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است و برخی محققان با تکیه بر مفاهیم مطرح‌شده در این سند (همچون ساحت‌های اصلی تربیت، حیات طیبه و مدرسه صالح)، طرح‌های تحقیقاتی مختلفی را تدوین و اجرا کرده‌اند که از جمله آن‌ها پژوهش‌های برادران حقیر و نیری پور (۱۳۹۸) و حاجی‌لو مهدی‌پور (۱۳۹۳) را می‌توان نام برد. در برخی دیگر از پژوهش‌ها مفاهیمی مانند الگوی شایستگی مدیران (بنیادی، فانی و سیدجوادین، ۱۳۹۷)، سرمایه اجتماعی (دهقانی، سلیمانی و فرجی، ۱۳۹۶)، تربیت چندفرهنگی (پله، ۱۳۹۴) و عدالت آموزشی (صفار حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳) براساس رویکردها و مفاهیم مطرح‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بازشناسی و واکاوی شده است. در طیفی گسترده از پژوهش‌ها، با معیار قراردادن شاخص‌های برگرفته از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتب و برنامه‌های درسی در سطوح مختلف تحصیلی بررسی شده و در برخی دیگر، نقد و بررسی مبانی فلسفی و روند اجرای این سند صورت گرفته است؛ اما تاکنون، پژوهش معتبری انجام نشده که در آن، با استفاده از رویکرد فراترکیب، نتایج تحقیقات صورت گرفته در این زمینه یکپارچه‌سازی یا تفسیر شده باشد.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد طی این سال‌ها پژوهشگران زیادی با استفاده از روش‌های مختلف، به‌صورت صریح یا ضمنی، به محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه کرده‌اند؛ اما سطح این توجه و میزان گستردگی آن در موضوعات مختلف، روشن نیست؛ به دیگر سخن، تأثیر این پژوهش‌ها در حرکت کردن در مسیر برآوردن نیازهای واقعی جامعه علمی و دست‌اندرکاران عملی حوزه تعلیم و تربیت در راستای اجرایی کردن تحولات بنیادین در نظام آموزشی، در حال‌ای از ابهام قرار دارد؛ از این روی، در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم تحقیقاتی را که در تدوین

آن‌ها به نحوی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توجه شده است، بررسی کنیم و از این رهگذر، به دو سؤال پاسخ دهیم:

الف) طی سال‌های اخیر، در پژوهش‌ها از چه جنبه‌هایی و به چه حوزه‌هایی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته شده است؟

ب) خروجی این پژوهش‌ها چه امکانات و فرصت‌هایی را برای سیاست‌گذاران و مجریان آموزشی در زمینه اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش فراهم کرده است؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با رویکرد کیفی و با استفاده از روش فراترکیب، درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق بوده‌ایم. در روش فراترکیب، با تمرکز بر پژوهش‌های کیفی انجام‌شده درباره یک موضوع خاص، مرور، ارزشیابی، ترکیب و یکپارچه‌سازی یا تفسیر این پژوهش‌ها صورت می‌گیرد (Sandelowski and Barroso, 2007; Beck, 2002). رویکرد نظام‌مند روش فراترکیب در بررسی پژوهش‌های پیشین، در راستای کشف زمینه‌های اصلی و فرعی جدید و اساسی قرار دارد و موجب ارتقایافتن دانش جدید می‌شود (Zimmer, 2006)؛ به طوری که با استفاده از این روش می‌توان به شناخت جامع‌تر و درک عمیق‌تری از پدیده مورد بررسی دست یافت که به‌میزانی درخور توجه، در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد علمی و یافته‌های پژوهشی کمک می‌کند.

در این پژوهش، گام‌های طی شده به شرح ذیل براساس روش فراترکیب هفت‌مرحله - ای سندلوسکی و باروسو^۱ (2007) طراحی و اجرا شده است:

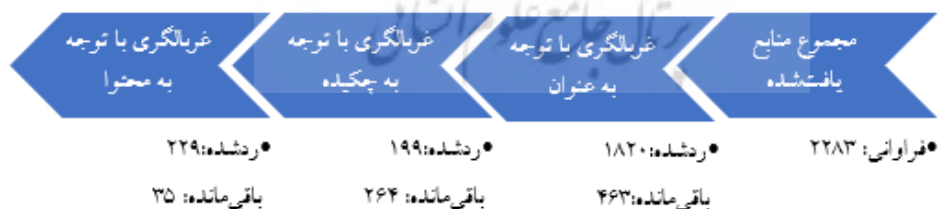
الف) تنظیم سؤالات پژوهش: در این تحقیق، با دو سؤال اصلی سروکار داریم که در یکی از آن‌ها بررسی ماهیت و طبقه‌بندی پژوهش‌های مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در دیگری، مطالعه خروجی‌های مفید فرصت‌ساز این پژوهش‌ها برای کمک به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان آموزشی، مورد نظر است.

ب) بررسی نظام‌مند ادبیات پژوهش (مرور پژوهش‌های پیشین): در این مرحله، پس از گزینش کلمات کلیدی، جست‌وجوی نظام‌مند مبانی نظری و پژوهشی منتشرشده معتبر صورت می‌گیرد؛ سپس به منظور جست‌وجوی کامل و دقیق پیشینه، کلمات کلیدی

1. Sandelowski and Barroso

جدیدی به واژگان اولیه اضافه می‌شوند و بدین صورت، جست‌وجو تکمیل می‌شود. در این پژوهش، با انتخاب واژه کلیدی «سند تحول» برپایه سؤالات پژوهش، جست‌وجویی نظام‌مند و سازمان‌یافته را در پایگاه‌های اطلاعاتی و انتشاراتی داخلی (پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی؛ پایگاه مجلات تخصصی نور؛ بانک اطلاعات نشریات کشور؛ ایرانداک؛ سامانه کتابخانه سیمرغ؛ پایگاه اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ پایگاه‌های اطلاعاتی ناشران معتبر کتب علمی و دانشگاهی مانند رشد، سمت، جهاد دانشگاهی، مدرسه، آستان قدس، آوای نور و پگاه) انجام دادیم؛ همچنین درحین جست‌وجو، کلمات کلیدی «اسناد تحول»، «اسناد تحولی»، «تحول بنیادین»، «سند تحولی»، «سند مشهد»، «مبانی نظری تحول»، «اسناد بالادستی»، «سند راهبردی آموزش»، «سند راهبردی نظام آموزش»، «سند راهبردی نظام تعلیم»، «سند راهبردی نظام تربیت» و «سند راهبردی نظام آموزشی» را نیز کشف کردیم و جست‌وجو براساس آن‌ها را در پایگاه‌های پیش‌گفته ادامه دادیم و در نهایت، ۲۲۸۳ عنوان کتاب، پایان‌نامه و مقاله را یافتیم.

ج) جست‌وجو و گزینش مبانی نظری و پژوهشی: پس از جمع‌آوری اسناد اولیه، براساس تناسب منابع یافت‌شده با سؤالات پژوهش، پژوهشگر باید به غربالگری مبانی نظری و پژوهشی اقدام کند. در این پژوهش، به‌منظور غربالگری منابع یافت‌شده در مرحله دوم، به‌صورت گام‌به‌گام، عنوان، چکیده و محتوای پژوهش‌ها را بررسی و در نهایت، ۳۵ منبع را انتخاب کردیم تا در مرحله بعد، به‌صورتی عمیق‌تر مطالعه شوند. در این غربالگری، صرفاً مقالات مجلات دارای رتبه الف و ب (A و B) انتخاب شده‌اند؛ علاوه بر آن، به‌جهت بومی‌بودن موضوع پژوهش، صرفاً منابع فارسی چاپ‌شده در کشور، موردتوجه بوده‌اند.



شکل ۱. روند انجام‌دادن غربالگری به‌منظور انتخاب منابع مناسب برای تحلیل مضامین

د) استخراج و تجزیه و تحلیل یافته‌ها: برای بررسی دقیق محتوای منابعی که در آخرین مرحله غربالگری انتخاب شده‌اند، در این مرحله، پژوهشگر باید مضامین منابع را تحلیل کند. بدین منظور، در پژوهش حاضر، تحلیل مضمون ۳۵ منبع از پیشینه نظری و تجربی را با استفاده از فرایند کدگذاری انجام دادیم؛ همچنین برای دسته‌بندی پژوهش‌های صورت گرفته درباره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، از روش آمار توصیفی با توجه به فراوانی هر دسته استفاده کردیم.

ه) تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی: این مرحله به ایجاد تفسیری یکپارچه و جدید از یافته‌ها می‌انجامد. در این پژوهش، با استفاده از مضامین حاصل از تحلیل در مرحله قبلی، مقولات و مفاهیم کشف شده را در قالبی نو توصیف کرده‌ایم؛ به طوری که این قالب، پاسخ‌گوی سؤالات پژوهش باشد.

و) کنترل کیفیت: این مرحله، مربوط به کنترل و ارزیابی کیفیت یافته‌هاست. به منظور تأمین اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌های پژوهش حاضر، از دو روش خودبازبینی محقق و مرور از جانب همکار پژوهشی استفاده کرده‌ایم؛ بدین صورت که در روش نخست، پس از گذشت دو هفته از کدگذاری اول، کدگذاری مجدد صورت گرفت و درصد توافق آن با کدهای اولیه بررسی شد. در روش دوم، ده مورد از اسناد مورد بررسی، از سوی همکار پژوهشی دیگری تحلیل و کدگذاری شد و میزان توافق میان کدهای انتخابی از جانب محقق و همکار پژوهشی، بیش از ۸۵ درصد بود.

ز) عرضه فراترکیب: در نهایت، یافته‌های حاصل از فراترکیب صورت گرفته، در قالب شبکه‌ای از مضامین گزارش شدند.

یافته‌های پژوهش

۱. ابعاد و حوزه‌های مورد توجه در پژوهش‌های مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (پاسخ به سؤال نخست)

همان‌گونه که در خصوص روش پژوهش گفتیم، برای انجام دادن این مطالعه فراترکیب، با استفاده از واژه‌های کلیدی «سند تحول»، «اسناد تحول»، «اسناد تحولی»، «تحول بنیادین»، «سند تحولی»، «سند مشهد»، «مبانی نظری تحول»، «اسناد بالادستی»، «سند راهبردی آموزش»، «سند راهبردی نظام آموزش»، «سند راهبردی نظام تعلیم»، «سند راهبردی نظام تربیت» و «سند راهبردی نظام آموزشی» در پایگاه‌های اطلاعاتی پیش‌گفته جست‌وجو

کردیم. در این جست‌وجوها کلمات کلیدی موردنظر، در دامنه‌های عنوان، چکیده و واژه‌های کلیدی مقالات و پایان‌نامه‌های انتشاریافته طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ به صورت نظام‌مند پی‌جویی شدند و در نهایت، ۲۱۴۸ عنوان مقاله، کتاب و پایان‌نامه به دست آمد. در مرحله غربالگری در سطح عنوان، پژوهش‌های غیرمرتبط با نظام آموزش و پرورش و مباحث تربیتی و همچنین عناوین تکراری و مشابه حذف شدند و ۴۲۳ منبع باقی ماند که وارد مرحله غربالگری با توجه به چکیده شد. در پی بررسی چکیده تحقیقات و حذف عناوین نامرتبط نتیجه گرفتیم ۲۶۴ تحقیق در طول یک دهه پس از تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته که یا به طور مستقیم و مبتنی بر اسناد تحولی طراحی و اجرا شده‌اند و یا در آن‌ها به شکل غیرمستقیم به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یکی از منابع موردتحلیل مراجعه شده است. در جدول ۱، پراکندگی موضوعی این پژوهش‌ها را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۱. پراکندگی موضوعی تحقیقات صورت گرفته در زمینه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در یک دهه گذشته

موضوع مرتبط با:	فراوانی	درصد
زیرنظام‌های مطرح‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۱۳۹	۵۲.۶
بررسی یا نقد محتوای سند	۹۶	۳۶.۳
بررسی یا نقد اجرای سند	۱۸	۶.۹
سند به عنوان مرجع بررسی یا نقد	۱۱	۴.۲
مجموع	۲۶۴	۱۰۰

طبقه‌بندی پژوهش‌های مرتبط با زیرنظام‌های مطرح‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نشان می‌دهد بیشترین مطالعات صورت گرفته درباره این سند در دهه اخیر، مربوط به زیرنظام برنامه درسی است که حدود پنجاه درصد پژوهش‌ها را شامل می‌شود. نکته مهم آن است که ازمیان عناصر مختلف برنامه درسی، بیشترین توجه پژوهشگران به محتوای دروس در قالب تحلیل کتب درسی متمرکز بوده؛ به طوری که ۵۵ درصد از پژوهش‌های زیرنظام برنامه درسی را به خود اختصاص داده است.

بررسی چگونگی پراکندگی موضوعات پژوهش‌های انجام‌شده ذیل زیرنظام‌های تربیتی نشان می‌دهد پس از زیرنظام برنامه درسی، زیرنظام منابع انسانی با تمرکز بر تربیت

و رشد معلمان، با ۳۴.۶ درصد در رتبه بعدی قرار دارد و زیرنظام‌های مدیریت و راهبری، فضا و تجهیزات، و منابع مالی با اختلافی چشمگیر با دو زیرنظام پیش گفته، در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. طبقه‌بندی پژوهش‌ها برحسب زیرنظام‌ها

زیرنظام‌های مطرح در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	فراوانی	درصد
برنامه درسی	۶۹	۴۹.۶
منابع انسانی	۴۸	۳۴.۶
مدیریت و راهبری	۱۵	۱۰.۸
فضا و تجهیزات	۶	۴.۳
منابع مالی	۱	۰.۷
مجموع	۱۳۹	۱۰۰

شایان ذکر است که محوریت اصلی و وزن بیشتر تحقیقات صورت گرفته درحوزه زیرنظام برنامه درسی، به تحلیل محتوای کتب درسی براساس مؤلفه‌ها و مفاهیم مختلف برگرفته از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین طراحی الگوی برنامه درسی برای طیفی گسترده از مفاهیم تربیتی همچون تربیت سیاسی، آموزش بهداشت و تربیت اقتصادی اختصاص دارد. در زیرنظام منابع انسانی، مسئله شایستگی حرفه‌ای، طراحی الگوی تربیت معلم با تأکید بیشتر بر برنامه درسی، و آموزش و بهسازی معلمان به‌عنوان مسائل پرتکرار تحقیقات شناسایی شدند. در پژوهش‌های مرتبط با زیرنظام مدیریت و راهبری نیز بیشتر به شایستگی‌های مدیران و مسائل مرتبط با این حوزه مفهومی پرداخته شده است. همان‌گونه که در جدول ۱ می‌بینیم، در ۹۶ پژوهش، بررسی عمیق و مفهومی سند موردبحث یا نقد آن براساس معیارها و دیدگاه‌های مختلف صورت گرفته است و مفاهیم محوری موردتأکید در اهداف این پژوهش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی مفاهیم درون‌متنی و دیگری مفاهیم برون‌متنی. مفاهیم درون‌متنی، محور کار تحقیق‌هایی بوده‌اند که در آن‌ها تلاش شده است با استفاده از مفاهیم برخاسته از سند و رویکرد تربیتی حاکم بر آن، به درک بهتری از ساختار مفهومی سند کمک و ابعاد و پیامدهای نهفته آن کشف و نشان داده شود؛ همچنین در برخی از این پژوهش‌ها نظام‌سازی و فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای اجرایی شدن مقولات نظری سطح بالا و انتزاعی سند،

موردنظر بوده است. در واقع، در این پژوهش‌ها سعی شده است با فهم زوایا و ابعاد مختلف سند و با استفاده از دلالت‌های آن، سازوکارهای انعکاس مفاهیم در نهادهای عامل و نقش‌آفرین در تعلیم و تربیت طراحی شود؛ درمقابل، مفاهیم برون‌متنی که برخاسته از مسائل و دغدغه‌های روز و کاربردی درحوزه علوم تربیتی هستند، محور پژوهش‌هایی بوده‌اند که به‌منظور کشف میزان و نحوه توجه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اهداف و نقد دلالت‌های سند در آن حوزه‌های خاص انجام شده‌اند. در مجموع، نتایج و پیشنهادها ذکر شده در این تحقیق‌ها به شناسایی کاستی‌های سند و رفع آن‌ها در آینده کمک می‌کند. در این میان، پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که در آن‌ها به‌طور کلی، فهم و نقد رویکرد فلسفی سند در کلیت آن یا نسبت به زمینه‌هایی خاص، موردنظر بوده است. این پژوهش‌ها از آن جهت اهمیت دارند که بسیاری از کاستی‌ها و موانع اجرایی، ناشی از کژتابی‌های فلسفی و روش‌شناختی اسناد بالادستی هستند و تا وقتی این ناسازگاری‌ها حل‌جایی و اصلاح نشوند، عمل تربیتی نیز اصلاح نخواهد شد.

جدول ۳. مفاهیم محوری پژوهش‌های مرتبط با سند تحول بنیادین که ناظر به بررسی یا نقد

محتوای سند هستند

مفاهیم پژوهش‌ها	رویکرد پژوهشی
مؤلفه‌های تربیت اجتماعی، رویکرد تربیت دینی، تربیت دینی، فلسفه تربیت بدنی، مدرسه صالح، راهکارهای تحقق‌یافتن حیات طیبه، طراحی نظام تربیت معلم، طراحی نظام شایستگی مدیر و معلم، ویژگی‌های مدرسه مطلوب، ویژگی‌های انسان مطلوب، نقش خانواده، مدل نظام راهنمایی، اهداف دوره‌های تحصیلی، ساختار سازمانی مدرسه، نقد مفهوم هویت، نقد ویژگی‌های معلم، نقد ساحت تربیت اجتماعی- سیاسی.	درون‌متنی
آموزش مفاهیم انقلاب اسلامی، فرهنگ ایثار و شهادت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، عزت و اقتدار، قدرت نرم، تعامل مسجد و مدرسه و خانواده، نقش رسانه و سواد رسانه‌ای، نقش نهادهای دینی در تحول، تعامل خانواده و مدرسه، حکمرانی مدرسه، تربیت معنوی، تربیت اجتماعی، تربیت هنری، تربیت شهروندی، تربیت اقتصادی، تربیت اخلاقی، تربیت فناورانه، تربیت نسل منتظر، تربیت بین‌نسلی، تربیت چندفرهنگی، تربیت دانش‌آموز استعداد درخشان، پرورش تفکر خلاق، مؤلفه‌های هم‌گرایی، توجه به مسئولیت‌پذیری و خلاقیت و کارآفرینی، خودراهبری و خلاقیت، تعاون اجتماعی، رقابت تحصیلی، سرمایه اجتماعی، گفت‌وگومندی و	برون‌متنی

مفاهیم پژوهش‌ها	رویکرد پژوهشی
چندصدایی، گردشگری، جهانی‌شدن و شهروند جهانی، هویت ملی، هویت دینی و انقلابی، راهبردهای تربیت مهدوی، مدرسه اثربخش، عدالت آموزشی، تعلیم و تربیت آینده‌گرا، آموزش‌دادن فلسفه به کودکان، مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت و شادکامی، فلسفه فناوری اطلاعات، فلسفه آموزش از دور، مفروض‌های نظام سلامت، تعالی، مسئله ربط، حمایت سازمانی ادراک‌شده، نقد مبتنی بر فلسفه تربیت فنی و حرفه‌ای، بررسی فقهی و حقوقی، حق بر آموزش، بازبینی براساس آرای پیاژه، مقایسه با اهداف تربیتی برزینکا، مقایسه با پراگماتیسم، مقایسه با پوپر.	نقد فلسفی
تحلیل مبانی فلسفی، نقش انسان‌شناسی قرآنی، بررسی زیرساخت‌های فلسفی، نقد نظری و روش‌شناختی، نقد رویکرد فلسفی به دانش.	

علاوه بر آنچه گفتیم، در پی جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های ناشران معتبر کتاب، به ۱۳۵ کتاب دست یافتیم و پس از بررسی اجمالی و اولیه آن‌ها به منظور غربالگری و دستیابی به کتب غنی‌تر نتیجه گرفتیم هیچ‌یک از چهل کتابی که پس از غربالگری عنوان‌هایشان مشخص شد در زمینه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نگاشته شده‌اند، سخن جدید یا نقد مؤثر، بدیع و راهگشایی برای هدایت مجریان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به دست نداده‌اند و این مسئله، حاکی از انفعال نویسندگان منتقد تعلیم و تربیت در حوزه نشر کتاب است؛ همچنین تدوین‌کنندگان این سند و افرادی که به نحوی دست‌اندرکار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای اجرایی‌شدن آن بوده‌اند، از ظرفیت‌های اثرگذار و مهم کتاب برای معرفی و نشر مفاهیم اساسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش غفلت کرده و امکان یا فرصتی گران‌قدر برای ایجاد و گسترش گفتمان تحول مبتنی بر فهم درست اهداف و ارکان آن را در فرصت ده‌ساله اجرای سند از دست داده‌اند. بررسی این کتاب‌ها نشان می‌دهد در بیشتر این نوشتارها به توصیفی سطحی و معرفی‌ای اجمالی و مبتنی بر گزاره‌های اسناد تحولی اکتفا شده است و در معدود کتاب‌هایی هم که به حوزه نقد اختصاص یافته‌اند، یا نویسندگان، مغرضانه و بدون داشتن رویکردی علمی و روشمند وارد بحث شده‌اند و یا انتقادهایشان در قالب مقالات به شکلی مختصرتر چاپ شده است.

۲. امکانات و فرصت‌های سیاستی و اجرایی عرضه‌شده در پژوهش‌ها (پاسخ به سؤال دوم)
در ادامه، برای پاسخ‌دادن به سؤال دوم پژوهش، از میان مقالات و پایان‌نامه‌ها، مواردی را که به بررسی محتوای سند مورد بحث در یک حوزه مفهومی خاص اختصاص یافته و یا

به صورت خاص، کل سند یا بخشی از آن را از منظر نقادانه مطالعه کرده بودند، انتخاب و به مرحله غربالگری مبتنی بر محتوای آن‌ها وارد کردیم؛ همچنین پژوهش‌هایی که به منظور بررسی و نقد فرایند اجرایی شدن سند صورت گرفته‌اند، در این غربالگری وارد شدند. در مرحله غربالگری محتوا، پس از حذف منابع تکراری نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف و نیز پایان‌نامه‌هایی که نتایج آن‌ها در قالب مقاله چاپ شده است، ۳۵ پژوهش را انتخاب و یافته‌هایشان را در فرایند کدگذاری وارد کردیم و با استفاده از روش تحلیل مضمون، آن‌ها را مطالعه کردیم. یافته‌های حاصل از این تحلیل مضمون و سطوح مختلف کدگذاری در جدول‌های ۴، ۵ و ۶ آمده است.

۱-۲. نقد وضع موجود در حوزه موانع اجرای سند

یافته‌های حاصل از فرایند تحلیل مضامین منابع منتخب در حوزه نقد وضع موجود را به منظور شناسایی موانع اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌توان در قالب چند مضمون فراگیر بدین شرح خلاصه کرد: موانع اجرای برخاسته از ضعف در کلیت متن سند، موانع اجرا در سطح کلان و سیاست‌گذاری، موانع اجرا در سطح میانی و عملیات، و ضعف در نظارت و ارزیابی در همه سطوح. در جدول ۴، نحوه شکل‌گیری این مضامین و زیرمجموعه‌های آن‌ها را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۴. فرایند کدگذاری برای تحلیل مضامین یافته‌های پژوهش‌ها با رویکرد نقد وضع موجود و بررسی موانع در حوزه اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مضمون فراگیر ۱. موانع در سطح کلان و سیاست‌گذاری		
پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
نویدپور، ۱۳۹۶؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹	- اولویت‌نداشتن آموزش و پرورش برای سیاست‌گذاران و دولت‌ها	اولویت‌نداشتن آموزش و پرورش
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ اخلاقی، صالح صدق‌پور و نویدآدم، ۱۳۹۹	- مشخص نبودن وظایف نهادهای سهیم و مؤثر در تربیت و نیز ارگان‌های مختلف در خصوص اجرای سند - ضعف در همکاری‌های فراسازمانی - وجودنداشتن توافق کلی میان بازیگران کلیدی درباره مفاد، اهداف و اجرای سند - وجودنداشتن انسجام نهادی کافی میان بازیگران کلیدی برای اجرا	وجودنداشتن اجماع نظری و صراحت عملی میان نهادها و بازیگران

نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ رحیمی، ۱۳۹۵	- گزینشی و سلیقه‌ای عمل کردن درباره اجرای مفاد سند - وجود نداشتن ارتباط مستمر بین پژوهش‌های علمی و تصمیم‌های مدیران - تحقق نیافتن اجرای متوازن زیرنظام‌ها - اجرای یک‌جانبه سند در توجه به جنبه‌های مذهبی و بی‌توجهی به استعدادها (از دید والدین)	بی‌نظمی و نبود توازن علمی در اولویت‌بندی و اجرای برنامه‌ها
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹	- شتاب‌زدگی در طراحی و اجرای زیرنظام‌ها - نبود نگاه بلندمدت به دیربازده بودن تحول	شتاب‌زدگی
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹	- اثرپذیری منفی اجرای برنامه‌ها از تغییر مداوم مدیران	شخص محوری به جای برنامه محوری
مضمون فراگیر ۲. موانع در سطح میانی و عملیاتی		
پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ فرمهینی، ۱۳۹۷؛ رحیمی، ۱۳۹۵	- صورت‌نگرفتن تفهیم و آشناسازی علمی و عملی مجریان و ذی‌نفعان با سند	تفهیم‌نشدن به ذی‌نفعان
اخلاقی، صالح صدق‌پور و نویدآدم، ۱۳۹۹؛ نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹	- بی‌انگیزگی مجریان در اثر نداشتن اطلاعات کافی از مفاد سند، نداشتن اعتقاد کافی به آن و نیز کمبود منابع مالی برای اجرا - وجود نداشتن اهتمام و جدیت در عواملان و نهادها برای اجرای سند (به‌رغم نبود مخالفت ظاهری) - تلاش نکردن رسانه‌های جمعی برای ارتقای ارزش آموزش و پرورش رسمی و معرفی سند	جدیت نداشتن مجریان (ضعف در عزم ملی برای اجرا)
نویدپور، ۱۳۹۶	- وجود نداشتن سازوکار تشویقی مناسب برای انگیزه‌بخشی به مجریان	ترغیب‌نشدن مجریان
نویدپور، ۱۳۹۶؛ ثباتی، ۱۳۹۶؛ ایزدینا، ۱۳۹۶؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹	- کمبود نیروی انسانی مجرب، متخصص، باورمند به مفاد سند، تحول‌خواه و تحول‌آفرین - ریسک‌پذیری نبودن مدیران	کمبود نیروی انسانی مناسب به لحاظ کمی و کیفی
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیلی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹	- فرسوده، استیجاری، غیراستاندارد و کم‌بودن فضای آموزشی - وجود نداشتن ضعف در ساختار اداری و مدیریت نگهداری و تعمیر فضای آموزشی - کمبود امکانات آموزشی فناورانه و فنی - اختصاص نیافتن بودجه مناسب (کمبود بودجه) - کم‌بودن حقوق و مزایای معلمان	ضعف در منابع مالی و مادی، و مدیریت آن

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول .../لیلا بختیاری و مرضیه دهقانی ۱۷

نویدپور، ۱۳۹۶؛ ایزدپناه، ۱۳۹۶؛ - ساختار بوروکراتیک و متمرکز نظام آموزشی	تمرکز ساختاری
کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ تقوی‌نسب و کریمی، ۱۳۹۷	
نویدپور، ۱۳۹۶ - حجیم‌بودن کتب درسی	ضعف در تغییر برنامه درسی
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ رحیمی، ۱۳۹۵؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵؛ ایزدپناه، ۱۳۹۶	تعارض داشتن ارزش‌های فرهنگی رایج و مسلط با اهداف و ارزش‌های سند
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۵؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵	تعارض میان ساختارهای حاکم با برنامه‌های اصلاح‌گرا - وجود داشتن تعارض میان برنامه درسی آشکار و پنهان
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۵	کم‌رنگ‌بودن مشارکت مردم و جوامع محلی در اجرا - مشارکت‌نکردن معلم به‌عنوان مجری اصلی سند در تدوین آن
مضمون فراگیر ۳. ضعف در نظارت و ارزیابی در همه سطوح	
پژوهش	مضامین پایه
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹	مضامین سازمان‌دهنده
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹	صورت‌نگرفتن نظارت دقیق و گام‌به‌گام بر روند اجرا - وجود نداشتن ملاک مناسب برای سنجش برنامه‌های اجراشده

۱-۲. موانع اجرا در سطح کلان و سیاست‌گذاری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، موانعی در سطح مدیریت کلان و سیاست‌گذاری، موجب کم‌توجهی به تحقق یافتن واقعی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و انحراف جریان اجرا از روند صحیح آن می‌شوند. یکی از این موانع، اولویت‌نداشتن آموزش و پرورش به‌طور کلی و نیز اجرای این سند به‌صورت خاص در میان سیاست‌گذاران و مدیران عالی دولتی است. به‌نظر می‌رسد به‌رغم تأکید نظری بر اهمیت ارتقای کیفی و کمی آموزش در توسعه و پیشرفت کشور، برنامه‌های جاری و اهداف کوتاه‌مدت برای مدیران در مقایسه با ایجاد تحول در نظام آموزش عمومی، اولویت داشته است. نشانه‌های این کم-اهمیتی را می‌توان در روند کند تدوین طرح‌های اجرایی و نیز طراحی و تصویب قوانین، اختصاص نیافتن بودجه ویژه، و مطرح‌نشدن دغدغه‌ها و مسائل مهم و متنوع نظام آموزشی

در دستور کار جلسات عالی سیاست‌گذاری‌های دولتی مشاهده کرد. درکنار این عامل، اجماع نظری میان نهادهای مؤثر و سهم آموزش و پرورش درباره مفاد، اهداف و روند اجرای سند وجود ندارد و تفاوت برداشت و تعارض منافع در میان آن‌ها دیده می‌شود؛ به‌علاوه، وظایف آن‌ها به‌عنوان بازیگران این عرصه مشخص نشده است. این مسئله به‌نوبه خود، علاوه بر تضعیف مشارکت‌های درون‌سازمانی، سبب بروز ضعف در شکل‌گیری همکاری‌های فراسازمانی هم می‌شود و در واقع می‌توان ادعا کرد انسجام نهادی به‌میزان کافی در میان بازیگران کلیدی حوزه آموزش و پرورش رسمی عمومی برای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش وجود ندارد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد مدیران عالی نظام آموزشی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اجرای مفاد سند به پژوهش‌های علمی و نظرات کارشناسی درحوزه برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی برنامه‌ها توجه کافی و مستمر نکرده‌اند و در برخی موارد، همین تصمیم‌های سلیقه‌ای و گزینشی، ضرباتی جبران‌ناپذیر بر کیفیت نظام آموزشی وارد کرده است که از جمله پیامدهای آن‌ها می‌توان ایجاد تغییرات ساختاری ناموفق در نظام آموزشی را نام برد؛ علاوه بر آن، روند طراحی و اجرای زیرنظام‌های مطرح در سند مورد بحث، به‌صورت متوازن و بموقع انجام نشده و میزان توجه به ساحت‌های مختلف تربیتی نیز نامتوازن بوده است. کاستی دیگر، شتاب‌زدگی به‌جای تسریع و تسهیل عالمانه فرایندهاست؛ به‌طوری که حاکمیت نگاه کارایی‌مدار که با رویکردی کوتاه‌مدت به دنبال کاهش دادن هزینه‌ها با کسب بیشترین فایده است، به غفلت از ویژگی تدریجی بودن تحول انجامیده و همین مسئله، سطحی‌بودن تحولات به‌ظاهر بنیادین را به ذهن مجریان و مخاطبان نظام آموزشی متبادر کرده است. از دیگر تأثیرات منفی ناشی از بروز اختلال در نظام مدیریتی کلان و سیاست‌گذاری آموزشی بر اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تغییرات مکرر مدیران در وضعیتی است که نظام برنامه‌ریزی آموزشی در کشور ما بیش از آنکه در اجرا و پیگیری، وابسته به مفاد برنامه باشد، قائم به شخص است.

۲-۱-۲. موانع اجرا در سطح میانی و عملیاتی

فرا ترکیب یافته‌های پژوهش‌ها و آرای صاحب‌نظران، موفق به شناسایی موانع اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سطح مدیریت میانی و روند عملیاتی نیز شده است.

یکی از مهم‌ترین موانع در این سطح، تفهیم‌نشدن غایات، اهداف، مفاهیم اصطلاحات و روح حاکم بر سند موردبحث درحوزه نظری به ذی‌نفعان (مدیران مناطق و مدارس، معلمان، والدین، دانش‌آموزان و جوامع محلی) و آشنایی‌نداشتن آنان با چگونگی عملی‌کردن مفاد این سند در جنبه‌های مختلف نظام آموزشی کشور است. ناملموس بودن سند، بیگانگی با آن و وجودنداشتن باور قلبی به ضرورت اجرای آن، از مهم‌ترین عوامل کاهش‌یافتن عزم و اراده قوی درمیان مجریان هستند؛ علاوه‌بر آن، تلاش‌هایی شایسته ازسوی رسانه‌های جمعی برای ارتقای جایگاه ارزشی سند و معرفی مناسب آن صورت نگرفته و رسانه به‌عنوان یکی از چهار رکن مؤثر در تعلیم و تربیت رسمی عمومی، نقش خود را در این زمینه به‌خوبی ایفا نکرده است. از دیگر علل بی‌انگیزگی مجریان، ضعف در نظام حقوق و پاداش درحوزه مدیریت منابع انسانی را می‌توان نام برد که سازوکارهای تشویقی مناسبی را برای انگیزه‌بخشیدن به مجریان به‌کار نگرفته است. به‌طور کلی، ضعف در جذب و نگهداشت نیروی انسانی مناسب و توانمند برای اجرای سند، مانعی مهم دربرابر تحقق‌یافتن اهداف موردنظر از آن به‌شمار می‌آید. برای اجرای این سند، وجود مدیران و معلمانی متخصص، معتقد به مفاد آن، تحول‌خواه و دارای مهارت‌های تحول‌آفرینی ضرورت دارد؛ حال آنکه متأسفانه، نظام آموزشی کشورمان در این زمینه، دچار مشکلات اساسی است. افزون‌بر کمبود منابع انسانی مناسب، کمبود منابع مالی و مادی و مهم‌تر از آن، ضعف در مدیریت بهینه این منابع (مثلاً بی‌توجهی به آمایش سرزمین، تحولات جمعیتی، پراکندگی جغرافیایی و تنوع اقلیمی) مزید بر علت شده و بحرانی مهم را پیش‌روی مجریان قرار داده است.

مانع مهم دیگری که با پویایی‌های موردنیاز در وضعیت تحول نظام آموزشی مغایرت دارد، تمرکز ساختاری زیاد در سازمان آموزش دولتی در ایران است. ساختار اداری بوروکراتیک باوجود داشتن نقاط مثبت، با وضعیت و اقتضانات نظام آموزشی متمایل به تغییر به‌سوی تمرکزنداشتن چندان تناسبی ندارد و در وضعیت متلاطم تغییر، تقویض‌نشدن اختیار به مدیران رده‌های پایین و نیز توانمندنشدن شوراهای درسطح مدرسه و منطقه آموزشی، موجب پیچیده‌شدن مسائل، سکون‌زدگی و ایستایی سازمان آموزشی به‌رغم وضعیت متلاطم محیطی می‌شود که درنهایت، کارایی‌نداشتن و اثربخش‌نبودن مدیریت را نشان می‌دهد.

یکی از زیرنظام‌های مهمی که تغییرات اساسی صورت گرفته در آن، بار قابل توجهی از فرایند ایجاد و تداوم تحول را به دوش می‌کشد، برنامه درسی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تغییر در این زیرنظام و به‌ویژه محتوای آموزشی، به‌خوبی اتفاق نیفتاده و مخصوصاً حجیم باقی ماندن کتب درسی از جمله موانع اجرای موفق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دانسته شده است.

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، صورت‌نگرفتن تفهیم نظری و عملی ذی‌نفعان، مانعی مهم در اجرای سند موردبحث دانسته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند مشارکت‌نکردن ذی‌نفعان نه‌تنها در مرحله اجرا، بلکه در فرایند تدوین سند، به شکل‌گیری مانعی اساسی در برابر دستیابی به توافق و نیز آماده‌سازی و تجمیع نیروهای مجری، حامی و پشتیبان تحول در بدنه جامعه به‌طور کلی و در سطح عملیات نظام آموزشی به‌صورت خاص منجر شده است. این جدایی ذی‌نفعان با تدوین و اجرای سند، موجب بقای تعارض‌ها و تضادهای ارزشی و فرهنگی رایج در تقابل با اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌شود و ارزش‌های حاکم بر نگرش والدین، معلمان و مدیران، همچنان با نظام ارزشی طراحی شده در سند، فاصله‌ای عمیق دارد. این شکاف را به‌صورت خاص در تعارض میان برنامه درسی پنهان و آشکار، تداوم اهمیت کنکور، پایین‌بودن حقوق و شأن اقتصادی و اجتماعی معلمان، تداوم حاکمیت فرهنگ معلم-محوری و ناهمخوانی تبلیغات رسانه‌ای با مفاد سند می‌توان مشاهده کرد.

۳-۱-۲. موانع اجرایی ناشی از ضعف در نظارت و ارزیابی در همه سطوح

براساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه مهمی که در همه سطوح نظام آموزشی، دچار ضعف است، درحوزه نظارت و ارزیابی شناسایی شده که خود به‌تنهایی می‌تواند موجب تداوم-بخش کژتابی‌ها، انحرافات و موانع پیشین باشد. طی دهه گذشته و در فرایند اجرایی کردن برنامه‌ها برای ایجاد تحول در نظام آموزشی، شاهد تدوین نظامی نظارتی برای ارزیابی دقیق و گام‌به‌گام فرایند اجرا نبوده‌ایم و همواره مسئله طراحی‌نشدن ملاک‌ها و شاخص-های کمی و کیفی مناسب در این حوزه وجود داشته و کوتاهی در این زمینه، سبب فرصت‌سوزی‌های بسیار زیاد طی این سال‌ها شده است.

۲-۲. نقد وضع موجود در حوزه محتوای سند

چنان‌که پیشتر گفتیم، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر، درخصوص محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقد و مطالعه‌ای موشکافانه ازسوی

پژوهشگران مختلف صورت گرفته است. از آنجا که کاستی‌های موجود در محتوای این سند و انتقادهای وارد بر آن از جنبه‌های مختلف، خود عاملی برای بروز تأخیر، انحراف یا اجرانشدن آن در برخی حوزه‌ها بوده است، در ادامه، نقدهای محتوایی وارد بر این سند را بررسی خواهیم کرد.

جدول ۵. فرایند کدگذاری برای تحلیل مضامین یافته‌های پژوهش‌ها با رویکرد نقد وضع موجود در حوزه محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مضمون فراگیر ۱. نقد کلیت متن سند		
مضمون پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
دیزی، ۱۳۹۳؛ ثباتی، ۱۳۹۶؛ صفار حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ خوارزمی، نویدپور، ۱۳۹۵؛ قجری، مزیدی و شمشیری، مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵	- دوربودن سطح نظریه از عمل تربیتی - آرمانی‌بودن شاخص‌های مطرح‌شده برای انسان تربیت‌یافته در سند و وجودنداشتن تعریفی مشخص برای این ویژگی‌ها - آرمانی‌اندیشی و شعارزدگی مفاهیم سند - شفاف‌نبودن مفاهیم کلیدی سند و به‌کارگیری واژگان دشوار در آن - ابهام و کلی‌گویی در مفاهیم - روشن‌نبودن چگونگی تربیت انسان خدامحور در عرصه عمل - اجمال، ابهام و آشفتگی در تدوین نظامی برای تحقق‌یافتن اهداف سند - وجودنداشتن هماهنگی بین راهبردهای سطح کلان و عملیاتی	آرمانی‌بودن، پیچیدگی و شفافیت‌نداشتن مفاهیم (ضعف در اتصال نظر به عمل)
نویدپور، ۱۳۹۶	- مواجهه شعاری مبنی بر کامل و بی‌عیب‌بودن سند	کامل‌انگاری
نویدپور، ۱۳۹۶؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹	- مطابقت‌نداشتن مبانی نظری با مطالعات جامعه‌شناختی (وضع موجود) - ضعف در تحلیل محیطی و تبیین وضع موجود	کم‌توجهی به وضع موجود
نویدپور، ۱۳۹۶	- حجیم‌بودن سند و وجودنداشتن خلاصه‌ای مفید از آن	تلخیص‌نکردن
مضمون فراگیر ۲. نقد روش‌شناسی تدوین سند		
مضمون پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ ایزدپناه، ۱۳۹۳؛ صفار حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳	- التقاط و اغتشاش روش‌شناسانه و ابهام اساسی در تدوین روش‌شناختی مطالعات - چالش مفهوم‌شناختی و روش‌شناختی در تدوین سند - امکان‌پذیرنبودن ایجاد سازگاری میان تعالیم اسلامی با علوم انسانی جدید به‌دلیل وجودداشتن تعارض در مبانی و جهان‌بینی این دو رویکرد - ابتنای مبانی نظری سند بر علوم انسانی غیربومی و غیراسلامی	التقاط روش‌شناختی

	<p>- تلقین حاکمیت داشتن نوعی خاص از نگاه فلسفی بر متون اسلامی و تأکید بر آن</p> <p>- یکی کردن برداشت‌های فلسفی به معنای عام با متون دینی</p> <p>- ابتدا بر نوعی نگرش آرمانی با آمیزه‌ای از تفسیر ایدئولوژیک از دین با استفاده از روشی استنتاجی و عقلانی</p>	
<p>رعایت نکردن اسلوب سندنویسی</p>	<p>- رعایت نشدن اسلوب سندنویسی و فرایند تدوین اسناد جامع و راهبردی</p>	<p>قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹</p>
<p>ضعف روش فلسفی</p>	<p>- روشمند نبودن چگونگی گذار از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی، ورود به فلسفه تربیت رسمی و عمومی و سپس عرصه کاربرد و عمل</p> <p>- چالش اساسی در سازگاری مطالعات مبانی فلسفی تربیت در سند</p> <p>- توافق نداشتن مطالعات فلسفی مبانی سند از منظر فرافلسفی و فرازبانی</p> <p>- ناموفق بودن سند در تدوین فرازبانی مقتضی و کاربرد فروگامیده و عرضی نظریات فلسفی در تدوین سند</p> <p>- گرفتار بودن به نوعی شمول‌گرایی ظاهرگرایانه در تبیین مفاهیم اصلی</p> <p>- کم‌توجهی به پیشینه پژوهشی علمی و فلسفی مفهوم هویت و به دست ندادن توجهات کافی برای دعاوی مطرح شده</p>	<p>مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵؛ همتی‌فر و آهنچیان، ۱۳۹۲؛ مرادی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۹</p>
<p>مضمون فراگیر ۳. نقد مبانی و مفاهیم نظری</p>		
<p>مضامین سازمان‌دهنده</p>	<p>مضامین پایه</p>	<p>پژوهش</p>
<p>وجود داشتن تعارض نظری در سند</p>	<p>- نامتعین بودن رویکرد نظری</p> <p>- انسجام نداشتن مفهوم‌شناختی و ناهماهنگی در بیان مواضع نظری</p> <p>- وجود داشتن تعارض در رویکردهای مبنایی سند</p>	<p>مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ عقدایی، ۱۳۹۴</p>
<p>تناقض درونی درباره تمرکز</p>	<p>- گزاره‌های متعارض درباره تمرکزگرایی و تمرکززدایی</p> <p>- تأکیدهای تلویحی و گاه آشکار بر تمرکزگرایی</p>	<p>کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ تقوی‌نسب و کریمی، ۱۳۹۷؛ مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵</p>
<p>ایدئولوژی‌گرایی</p>	<p>- برجستگی بیش‌ازحد دغدغه‌های ایدئولوژیک</p> <p>- نادیده گرفتن نیازهای متحول اجتماعی در طراحی برنامه تحولی</p>	<p>صفا حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳؛ عباسی، ماهرزاده، سجادی و عدلی، ۱۳۹۸</p>

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول.../لیلا بختیاری و مرضیه دهقانی ۲۳

مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵؛ نجفی و احمدی، ۱۳۹۱	- ابهام در نقش و مشارکت گروه‌های ذی‌نفع - صورت‌نگرفتن توجه شایسته و بایسته به نهاد خانواده و راهکارهای اجرایی برای ایفای نقش و مشارکت در امور تحصیلی و تربیتی فرزندان	ابهام در نقش ذی‌نفعان
یداللهی، یوری و زارعی، ۱۳۹۸؛ صفار حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳	- ابهام در تبیین نیازها و نقش‌های جنسیتی، و اقتضانات آموزشی متناظر با این تفاوت‌ها (درزمینه عدالت جنسیتی) - به‌دست‌ندادن تعریفی صریح درباره عدالت جنسیتی در آموزش	ضعف در تبیین عدالت جنسیتی
مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵	- صورت‌نگرفتن توجه کافی به مطالعات توصیفی انسان- شناختی درحوزه تعلیم و تربیت اسلامی - اتخاذ رویکرد تک‌بعدی در تبیین مبانی انسان‌شناختی با تمرکز بر عقل - ابتدای تعریف دین‌داری بر عقلانیت به‌جای فطرت	عقل‌محوری
دیزیوی، ۱۳۹۳؛ صفار حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳؛ کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ تقوی- نسب و کریمی، ۱۳۹۷؛ قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹؛ عباسی، ماهروزاده، سجادی و عدلی، ۱۳۹۸؛ مرادی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۹؛ رجایی، ۱۳۹۹؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵	- تأکید بیشتر بر هم‌گرایی فرهنگی و صورت‌نگرفتن توجه کافی به تفاوت‌های فرهنگی - بی‌توجهی به پرورش دادن مهارت درک ابعاد مختلف از تکرر فرهنگی - صورت‌نگرفتن توجه کافی به تفاوت‌های فردی و تنوع فرهنگی و قومی، تکثرگرایی و مرجعیت‌زدایی - کم‌توجهی به وجودداشتن دیدگاه‌های متضاد و متفاوت در عرصه سیاست و جامعه	کم‌توجهی به تنوع فردی و فرهنگی
کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ تقوی‌نسب و کریمی، ۱۳۹۷	- به‌دست‌ندادن راهکار عملی مناسب برای تقویت خویشتن- داری و انتخابگری دانش‌آموزان - کم‌توجهی به نقش فعال دانش‌آموزان در هویت‌یابی	ضعف در تبیین عملی عاملیت متربی
مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵؛ عباسی، ماهروزاده، سجادی و عدلی، ۱۳۹۸؛ مرادی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۹؛ محمودی، ۱۳۹۹	- در حاشیه قرارگرفتن تأکیدهای رویکرد شیعی بر مسئله امامت - ناهماهنگ‌بودن سند با مبانی نظری آن در رویکرد غالب به دانش - ناسازگاری و انسجام‌نداشتن در به‌کارگیری مفهوم هویت	ضعف نظری در مفاهیم اصلی

<p>- درهم آمیختگی مفاهیم هویت، شخصیت و شاکله، و استنتاج های متناقض مبتنی بر این مفاهیم</p> <p>- صورت نگرفتن توجه متوازن به مؤلفه های هویت دینی و انقلابی (به ویژه معاد و عدل در بُعد اعتقادی و مفاهیم ایثار و شهادت)</p>	<p>- درهم آمیختگی مفاهیم هویت، شخصیت و شاکله، و استنتاج های متناقض مبتنی بر این مفاهیم</p> <p>- صورت نگرفتن توجه متوازن به مؤلفه های هویت دینی و انقلابی (به ویژه معاد و عدل در بُعد اعتقادی و مفاهیم ایثار و شهادت)</p>
<p>غفلت از آموزش غیررسمی</p>	<p>قجری، مزیدی و شمشیری، ۱۳۹۹ - صورت نگرفتن توجه اساسی به آموزش های غیررسمی و نحوه تعامل آن با آموزش های رسمی</p>
<p>نقد محتوای ساحت های تربیتی</p> <p>- صورت نگرفتن توجه مستقیم به روش های تربیت دینی در حیطه های شناختی، عاطفی و رفتاری به رغم حاکمیت داشتن ساحت تربیت دینی بر دیگر ساحت ها</p> <p>- تأکید بر رویکرد دین دهی به جای دین یابی در تربیت دینی</p> <p>- صورت نگرفتن توجهی درخور و منسجم به تربیت در ساحت فنی و حرفه ای از منظر شناختی و انگیزشی</p> <p>- رویکرد مادی و منفعت طلبانه (نه خیر خواهانه و معنوی) در تربیت اقتصادی</p> <p>- تأکید بر گزاره های کلی، کمال گرایانه و آرمانی در حوزه تربیت فنی و حرفه ای</p> <p>- بی توجهی به معضلات و کمبودهای فعلی جامعه در نگارش تربیت حرفه ای</p> <p>- پیش از حد کلی بودن، انسجام نداشتن، نظام مند نبودن و جامع و مانع نبودن مجموعه اهداف ساحت اقتصادی - حرفه ای</p> <p>- وجود نداشتن انطباق کامل مبانی نظری با متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه اهداف ساحت اقتصادی</p> <p>- جدا کردن ساحت های تربیتی و صورت نگرفتن توجه کافی به هم پوشانی ساحت ها (مؤثر در تولید محتوا و برنامه آموزشی و درسی)</p> <p>- پوشش ندادن برخی جنبه های تربیت هنری از نگاه فلسفه غرب</p> <p>- کم رنگ بودن برخی مؤلفه های تربیت هنری</p> <p>- کم توجهی به حضور دیدگاه های متضاد و متفاوت در عرصه سیاست و جامعه</p> <p>- مواجهه سطحی با اهمیت مردم سالاری و مشکک بودن مفاهیمی همچون حیات طیبه، آزادی و مهارت های اجتماعی</p>	<p>اکبری، ۱۳۹۳؛ دیزوی، ۱۳۹۳؛ ثباتی، ۱۳۹۶؛ خطیبی، ۱۳۹۴؛ بصیرتی، ۱۳۹۵؛ بی طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ فرزی، ۱۳۹۷؛ رجایی، ۱۳۹۹</p> <p>- صورت نگرفتن توجه مستقیم به روش های تربیت دینی در حیطه های شناختی، عاطفی و رفتاری به رغم حاکمیت داشتن ساحت تربیت دینی بر دیگر ساحت ها</p> <p>- تأکید بر رویکرد دین دهی به جای دین یابی در تربیت دینی</p> <p>- صورت نگرفتن توجهی درخور و منسجم به تربیت در ساحت فنی و حرفه ای از منظر شناختی و انگیزشی</p> <p>- رویکرد مادی و منفعت طلبانه (نه خیر خواهانه و معنوی) در تربیت اقتصادی</p> <p>- تأکید بر گزاره های کلی، کمال گرایانه و آرمانی در حوزه تربیت فنی و حرفه ای</p> <p>- بی توجهی به معضلات و کمبودهای فعلی جامعه در نگارش تربیت حرفه ای</p> <p>- پیش از حد کلی بودن، انسجام نداشتن، نظام مند نبودن و جامع و مانع نبودن مجموعه اهداف ساحت اقتصادی - حرفه ای</p> <p>- وجود نداشتن انطباق کامل مبانی نظری با متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه اهداف ساحت اقتصادی</p> <p>- جدا کردن ساحت های تربیتی و صورت نگرفتن توجه کافی به هم پوشانی ساحت ها (مؤثر در تولید محتوا و برنامه آموزشی و درسی)</p> <p>- پوشش ندادن برخی جنبه های تربیت هنری از نگاه فلسفه غرب</p> <p>- کم رنگ بودن برخی مؤلفه های تربیت هنری</p> <p>- کم توجهی به حضور دیدگاه های متضاد و متفاوت در عرصه سیاست و جامعه</p> <p>- مواجهه سطحی با اهمیت مردم سالاری و مشکک بودن مفاهیمی همچون حیات طیبه، آزادی و مهارت های اجتماعی</p>

نتایج به دست آمده از تحلیل مضامین پژوهش هایی که در آنها نقد محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است، نشان می دهند مضامین فراگیر قابل شناسایی

برای دسته‌بندی نقدهای واردشده عبارت‌اند از: نقد محتوایی کلیت متن سند، نقد روش-شناسی تدوین، و نقد مبانی و مفاهیم نظری. در ادامه به توضیح این موارد خواهیم پرداخت.

۱-۲-۲. نقد محتوایی کلیت متن سند

اشکال اساسی‌ای که در بسیاری از پژوهش‌ها درخصوص کلیت متن سند ذکر شده، آرمانی‌بودن، پیچیدگی و شفاف‌نبودن مفاهیم آن است که سبب بروز ضعف در اتصال حوزه نظر به عرصه عمل می‌شود؛ مثلاً شاخص‌هایی که در این سند، درخصوص انسان تربیت‌یافته مطرح شده‌اند، بسیار آرمانی هستند و تعریفی قابل سنجش و عملیاتی درباره آن‌ها به دست داده نشده است؛ در نتیجه، چگونگی تربیت چنین انسانی عملاً دچار ابهام است؛ چنان‌که ناهماهنگی‌هایی نیز بین راهبردهای کلان و عملیاتی مشاهده می‌شود؛ همچنین مفاهیم کلیدی سند به خوبی تبیین نشده و به سبب به‌کارگیری واژگان دشوار بر برقراری ارتباط ادراکی مؤثر میان خواننده و متن، اثر منفی داشته‌اند.

کلی‌گویی صورت‌گرفته در این سند، موجب تعدد تفاسیر، تشتت آرا و سردرگمی مجریان می‌شود و به‌زعم صاحب‌نظران، فاصله زیاد الگوی عرضه‌شده در سند با وضعیت واقعی نسل نو در جامعه در اثر کم‌توجهی به وضع موجود و تحلیل ناکافی از وضعیت محیطی، شعاری‌بودن اهداف سند را برای خوانندگانش تداعی می‌کند؛ درحالی‌که تدوین‌کنندگان سند مورد بحث، اعتبار زیادی برای آن قائل‌اند؛ تاحدی که انگاره کامل و بی‌عیب‌بودن آن پررنگ می‌شود. عرضه‌نشدن خلاصه‌ای کامل و مفید از متن سند هم در ایجاد موانع اجرایی، بی‌اثر نبوده است.

۲-۲-۲. نقد روش‌شناسی تدوین سند

در برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته در دهه اخیر، رویکرد روش‌شناسانه در تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نقد شده است و فراتحلیل مضامین این تحقیقات نشان می‌دهد در تدوین روش‌شناسی مطالعات این سند، ابهام اساسی و برخی چالش‌ها وجود دارد؛ به‌طوری‌که برخی محققان از این ابهام و چالش‌ها با عنوان «التقاط و اغتشاش روش‌شناسانه» یاد می‌کنند. از جمله انتقادهای مطرح در این حوزه، ابتدای مبانی نظری سند بر علوم انسانی غیراسلامی و غیربومی است؛ درحالی‌که به دلیل وجود داشتن تعارض‌های مبنایی در جهان‌بینی میان تعالیم اسلامی و علوم انسانی جدید، سازگاری میان این دو رویکرد با چالش‌هایی روبه‌روست. در سند مورد بحث، به‌رغم اتخاذ جهان‌بینی اسلامی

به‌عنوان مبنا گفته شده از نتایج علوم انسانی که سازگار با نظام معیار اسلامی است، بهره‌گیری می‌شود؛ به‌طوری که از تعالیم اسلامی در تدوین فلسفه، اهداف، مبانی و اصول تربیت بهره گرفته و از دانش روز در حوزه تدوین راهبردها و برنامه‌ها استفاده شده است؛ علاوه بر آن، به‌زعم برخی صاحب‌نظران، نوعی نگاه فلسفی خاص در زمینه نحوه مطالعه متون اسلامی و برداشت از آن‌ها تسلط یافته و در مواردی برداشت‌های فلسفی عام با متون دینی، یگانه در نظر گرفته و در تدوین این سند بر روش استنتاجی و عقلانی در برداشت از دین تأکید شده است.

افزون بر مسئله التقاط روش‌شناختی، در روش فلسفی مورداستفاده در سند نیز ضعف‌هایی وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند چالش اساسی در سازگاری مطالعات مبانی فلسفی سند وجود دارد و مبانی نظری آن به‌لحاظ فرافلسفی و فرازبانی، دچار توافق‌ناشدن و ناسازگاری هستند. علاوه بر توفیق نیافتن سند در تدوین فرازبانی مقتضی و در نتیجه، کاربرد فروگاهیده و عرضی نظریات فلسفی، در چگونگی گذار از فلسفه تربیت برای ورود به فلسفه تربیت رسمی و عمومی و پس از آن، در عرصه کاربرد و عمل، به‌صورتی روشمند عمل نشده است و نوعی شمول‌گرایی ظاهرگرایانه در تبیین مفاهیم اصلی آن دیده می‌شود؛ به‌طوری که سعی شده است جانب نظر دین حفظ شود، حکمت متعالیه صدرا پاس داشته شود، به ادبیات اخلاقی در سنت اسلامی بی‌توجهی نشود و به ادبیات علمی روز در این زمینه نیز توجه شود؛ ولی در نهایت، چیزی جز اغتشاش مفهومی و عرضه‌نشدن توجیحات کافی برای دعاوی خود در برخی مفاهیم کلیدی همچون هویت حاصل نشده است؛ همچنین به‌زعم متخصصان، اسلوب سندنویسی در فرایند تدوین چنین سند جامع و راهبردی‌ای رعایت نشده است.

۳-۲-۲. نقد مبانی و مفاهیم نظری سند

در این بخش، موضوعات مختلفی همچون دوگانه تمرکز-عدم تمرکز، ایدئولوژی‌گرایی، وجودداشتن ابهام در نقش ذی‌نفعان، ضعف در تبیین عدالت جنسیتی، عقل‌محوری در مبانی انسان‌شناختی، کم‌توجهی به تنوع فردی و فرهنگی، ضعف در تبیین نقش عاملیت تربی، غفلت از نقش و جایگاه آموزش غیررسمی، و ضعف نظری در خصوص مفاهیمی مانند رویکرد به دانش و هویت و امامت جلب توجه می‌کنند. به‌طور کلی، یافته‌ها بیانگر

وجود داشتن تعارض نظری، تعیین‌نداشتن و بی‌انسجامی مواضع مفهومی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستند؛ مثلاً پژوهشگران در بحث تمرکز ساختاری به این تعارض اشاره کرده‌اند.

برخی پژوهش‌های تحلیل‌شده در این مقاله که در آن‌ها بررسی تخصصی هریک از ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت گرفته است، نقدهایی را بر محتوای سند در این حوزه‌ها و به‌خصوص ساحت‌های تربیت دینی، اقتصادی- حرفه- ای، هنری- زیبایی‌شناختی و سیاسی- اجتماعی مطرح کرده‌اند که جزئیات آن‌ها در بخش «مضامین پایه» از جدول ۵ ذکر شده است و بنابراین، از تکرارشان خودداری می‌کنیم.

۲-۳. پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی ناظر به اجرای سند

بررسی نتایج و محتوای پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد محققان در برابر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اجرای آن، دو گونه موضع‌گیری پژوهشی دارند: برخی با رویکردی سلبی، پس از بررسی‌های منتقدانه و شناسایی موانع، راهکارهای اصلاحی‌ای را پیشنهاد کرده‌اند و در مقابل، عده‌ای دیگر با رویکردی ایجابی، به بررسی محتوای سند و بیان پیشنهادهایی برای اجرای صحیح و اثربخش آن همت گمارده‌اند؛ در نتیجه، انعکاس و طبقه‌بندی نظرات این گروه از پژوهشگران در جدول‌های ۴ و ۵ امکان‌پذیر نبوده است و بنابراین، در ادامه، پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی ذکر شده در مجموع پژوهش‌ها را گزارش می‌دهیم.

جدول ۶. فرایند کدگذاری برای تحلیل مضامین یافته‌های پژوهش‌ها به‌منظور عرضه

پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی ناظر به اجرای سند

مضمون فراگیر ۱. اصلاح در سطح مدیریت عالی و سیاست‌گذاری	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
مضمون فراگیر ۱. اصلاح در سطح مدیریت عالی و سیاست‌گذاری	دیزی، ۱۳۹۳؛ نویدپور، ۱۳۹۶؛ عظیمی، ۱۳۹۹؛ هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵؛ نویدآدم، ۱۳۹۱	تنظیم نقشه راه
مضمون فراگیر ۲. استقرار نظام‌های جدید موردنیاز برای نهادسازی	دیزی، ۱۳۹۳؛ ایزدپناه، ۱۳۹۶	نهادسازی
مضمون فراگیر ۳. پرورش نیروی انسانی و ارتقای کیفیت آموزش	دیزی، ۱۳۹۳؛ ایزدپناه، ۱۳۹۶	پذیرش تدریجی بودن تحول

- توجه به تدریجی و بلندمدت بودن فرایند تحول	
نویدآپور، ۱۳۹۶؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ عظیمی، ۱۳۹۹؛ بی طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ اخلاقی، آن صالح صدق پور و نویدآدم، ۱۳۹۹؛ نویدآدم، ۱۳۹۱؛ فرمهبینی، ۱۳۹۷؛ عظیمی، ۱۳۹۹	- آگاه سازی دیگر ارگان ها و جلب همکاری های آن ها - نگاه فراقوه ای به اجرای سند - تقسیم کار ملی شفاف و برقراری تعاملات محیطی مبتنی بر فراقوه ای - ایجاد عزم ملی برای اجرای سند
نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ نویدآدم، ۱۳۹۱؛ فرمهبینی، ۱۳۹۷	- چابک سازی، برون سپاری، متناسب سازی و کاهش دادن تمرکززدایی - تمرکز اداری ساختار نظام آموزشی - مشارکت پذیری و کاهش تصدیگری اجرایی
نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ نویدآدم، ۱۳۹۱؛ اخلاقی، صالح صدق پور و نویدآدم، ۱۳۹۹؛ فرمهبینی، ۱۳۹۷؛ عظیمی، ۱۳۹۹	- شفافیت و روزآمدی قوانین و مقررات - تصویب برنامه های تحولی در مراجع قانون گذار به منظور - خنثی کردن اثر بی ثباتی در نظام مدیریتی - استفاده از ظرفیت های قانونی برای مشارکت بازیگران - ارتقای جایگاه آموزش و پرورش در جامعه به عنوان عامل اصلی توسعه - ایجاد مفاهیم سیاستی و سازگاری نهادی برای محقق کردن - توافق بیشتر میان بازیگران کلیدی
ایزدپناه، ۱۳۹۶؛ اخلاقی، صالح صدق پور و نویدآدم، ۱۳۹۹	- ضرورت صورت گرفتن گفت وگوهای نقادانه و سازنده میان - نخبگان و اندیشمندان تربیتی برای تهیه کردن راهبرد اجرای تحول - گفتمان سازی از سوی نخبگان
عظیمی، ۱۳۹۹؛ نویدپور، ۱۳۹۶؛ دیزی، ۱۳۹۳	- ترویج مطالعات سیاست پژوهانه و راهبردی، حمایت از این - مطالعات، و مستندسازی تجارب تدوین و اجرای سند - ایجاد فرهنگ پژوهش، خلاقیت، ارزیابی و مستندسازی - تجارب در مدارس - برنامه ریزی برای انجام دادن پژوهش های بیشتر در متن سند
مضمون فراگیر ۲. اصلاح در سطح مدیریت میانی و عملیاتی	
پژوهش	مضامین پایه
نویدآدم، ۱۳۹۱؛ هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵؛ نویدآدم، ۱۳۹۱	- اتخاذ سبک مدیریت مبتنی بر رهبری فرهنگی - رهبری فرهنگی

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول .../لیلا بختیاری و مرضیه دهقانی ۲۹

حکمرانی اجتماعی	- توجه به ماهیت غیردستوری و غیراقتدارگرایانه تحول - رویکرد تبلیغ به‌جای ابلاغ - حرکت به‌سمت حکمرانی اجتماعی و غیرکنترلی	ایزدپناه، ۱۳۹۶؛ عظیمی، ۱۳۹۹؛ نویدآدم، ۱۳۹۱؛ اخلاقی، صالح صدق‌پور و نویدآدم، ۱۳۹۹
تمرکززدایی	- ضرورت ایجاد تحول در روابط قدرت حاکم بر نظام آموزشی در جهت افقی و دوسویه‌شدن روابط - تفویض اختیار به مجریان - توزیع رهبری و تصمیم‌گیری غیرمتمرکز و مشارکتی در مدرسه	ایزدپناه، ۱۳۹۶؛ محمدی، حسینی و محمدی، ۱۳۹۸؛ هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵؛ فرمهبینی، ۱۳۹۷؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵
خلافت و شفافیت در فرایندها	- خلافت، پویایی، هوشمندی و شفافیت در فرایندهای اجرا متناسب با واقعیت‌های اجرایی	عظیمی، ۱۳۹۹؛ نویدآدم، ۱۳۹۱
زمینه‌سازی مشارکت ذی‌نفعان	- مشارکت فعال و منتقدانه ذی‌نفعان، مجریان، و نهادهای حاکمیتی و مدنی در تدوین و اجرای سند - برنامه‌ریزی برای مشارکت فعال و حضور آگاهانه دانش- آموزان در فعالیت‌های مدرسه - تدوین راهنمای عمل برای جلب مشارکت و توانمندسازی خانواده در همکاری با نظام آموزشی - شفاف‌سازی حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام آموزشی از طریق دسترسی آسان به اطلاعات صحیح - طراحی مدل اجرایی مناسب برای مشارکت ذی‌نفعان و ارکان سهیم و مؤثر	ایزدپناه، ۱۳۹۶؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ فرمهبینی فراهانی، حسینایی و احمدآبادی آرانی، ۱۳۹۸؛ حاجی‌بابایی، ۱۳۹۱؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ محمدی، حسینی و محمدی، ۱۳۹۸؛ اخلاقی، صالح صدق‌پور و نویدآدم، ۱۳۹۹؛ قوی‌دست، ۱۳۹۷؛ مظاهری، موسی‌پور و ناطق، ۱۳۹۶؛ نویدآدم، ۱۳۹۱
آگاهی‌بخشی توانمندسازی	- گفتمان‌سازی و ترویج معانی - تهیه‌کردن نسخه ترویجی با زبان ساده و دور از ابهام‌های فلسفی - برگزارکردن کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای تفهیم و آشنایی علمی و عملی مجریان و ذی‌نفعان با سند - بهسازی منابع انسانی - بهره‌گیری از رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی - ابتنای تحول‌خواهی بر درک ناکارآمدی روش‌های موجود و آینده‌نگری	نویدپور، ۱۳۹۶؛ دیزوی، ۱۳۹۳؛ قوی‌دست، ۱۳۹۷؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ عظیمی، ۱۳۹۹؛ حاجی‌بابایی، ۱۳۹۱؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ محمدی، حسینی و محمدی، ۱۳۹۸؛ هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵

نویسندگان: ۱۳۹۱؛ اخلاقی، صالح صدق پور و نویسندگان: ۱۳۹۹؛ فرمینی، ۱۳۹۷؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵؛ ایزدپناه، ۱۳۹۶	- گسترش فرهنگ تحول‌خواهی از طریق نقد عالمانه نارسایی‌های وضع موجود و ترسیم امیدآفرین وضع مطلوب
نویسندگان: ۱۳۹۹؛ راغب، فرمینی فراهانی، حسینی و احمدآبادی آرانی، ۱۳۹۸؛ فرمینی، ۱۳۹۷؛ نویسندگان: ۱۳۹۱	- نهادینه‌کردن فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و بهبود فرهنگ سازمانی گرامی‌داشت سرمایه انسانی و اجتماعی - التزام به مدیریت اسلامی و اقتضاهای آن
نویسندگان: ۱۳۹۶؛ نویسندگان و راغب، ۱۳۹۹؛ حاجی‌بابایی، ۱۳۹۱؛ محمدی، حسنی و محمدی، ۱۳۹۸؛ عظیمی، ۱۳۹۹	- تنظیم نظام پاداش‌دهی مناسب برای انگیزه‌بخشی به مجریان، و حمایت از فرهنگ نوآوری و بهبود مستمر با رعایت عدالت - ارتقای منزلت و تأمین معیشت معلمان
نویسندگان: ۱۳۹۶؛ دیزوی، ۱۳۹۳؛ نویسندگان و راغب، ۱۳۹۹؛ عظیمی، ۱۳۹۹؛ فرمینی فراهانی، حسینی و احمدآبادی آرانی، ۱۳۹۸؛ حاجی‌بابایی، ۱۳۹۱؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵؛ نویسندگان: ۱۳۹۱؛ فرمینی، ۱۳۹۷؛ بصیرتی برزکی، ۱۳۹۵	- تربیت، جذب و انتصاب مدیران، معلمان و مجریان متخصص، مجرب، معتقد و متعهد به مبانی و اجرای سند براساس شایسته‌سالاری - تشکیل کارگروه‌های توانمند مدیریتی و اجرایی
نویسندگان: ۱۳۹۹؛ راغب، محمدی، حسنی و محمدی، ۱۳۹۸؛ نویسندگان: ۱۳۹۶؛ عظیمی، ۱۳۹۹؛ حاجی- بابایی، ۱۳۹۱؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹؛ فرمینی، ۱۳۹۷	- ارتقای سطح نظام آموزشی همگام با فناوری‌های روز - توسعه نظام آموزشی الکترونیک و فضا و تجهیزات مناسب - تأمین منابع موردنیاز و مدیریت بهینه منابع - اختصاص‌دهی بودجه مناسب

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول.../لیلا بختیاری و مرضیه دهقانی ۳۱

نویدپور، ۱۳۹۶؛ بصیرتی	- متناسب‌سازی حجم و محتوای کتب درسی	اصلاح برنامه درسی
برزکی، ۱۳۹۵؛ اکبری،	- کاهش دروس نظری در راستای افزایش توجه به مهارت -	(آموزشی و پرورشی)
۱۳۹۳؛ بی‌طرفان، سجودی	آموزی	
و دهقانی، ۱۳۹۹؛	- توجه به راهکارهای تربیت در ساحت دینی در تألیف کتب	
قوی‌دست، ۱۳۹۷؛ فرمهینی	درسی	
فراهانی، حسینی و	- تألیف کتب درسی با نگاه زیبایی‌شناختی با توجه به	
احمدآبادی آرانی، ۱۳۹۸	مشکلات ناشی از جداسازی ساحت‌ها	
	- ضرورت تدوین کتابچه‌های راهنما برای ساحت تربیت	
	زیبایی‌شناختی	
	- جهت‌گیری برنامه‌های عملیاتی به سوی هویت‌گرایی،	
	مردم‌سالاری دینی و دستیابی به حیات طیبه	
مضمون فراگیر ۳. اصلاح روند نظارت و ارزیابی در همه سطوح		
پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛	- پاسخ‌گویی در سطح راهبردی	رصد و پاسخ‌گویی
نویدآدم، ۱۳۹۱	- رصد مستمر محیط درونی و بیرونی	راهبردی
	- مدیریت بحران و مراقبت از روندها و فرایندهای آسیب‌زا	
نویدپور، ۱۳۹۶؛ عظیمی،	- ایجاد یک نظام هدفمند نظارت و ارزیابی با شاخص‌های	طراحی نظام ارزیابی
۱۳۹۹؛ قجری، مزیدی و	معین کمی و کیفی، اهمیت خودکنترلی و بازخورد	
شمشیری، ۱۳۹۹؛ نویدآدم		
و راغب، ۱۳۹۹؛ محمدی،		
حسینی و محمدی، ۱۳۹۸؛		
نویدآدم، ۱۳۹۱		

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان راهکارهای مطرح‌شده از سوی محققان در یک دهه اخیر برای رفع موانع و بهبود فرایند اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را در قالب مقولاتی بدین شرح دسته‌بندی کرد و شرح داد:

۱-۳-۲. اصلاحات در سطح مدیریت عالی و سیاست‌گذاری

در این سطح، لازم است نقشه راه دقیقی برای تحقق بخشیدن اهداف سند تنظیم شود و همه اقدامات و برنامه‌ها ذیل این نقشه طراحی و اجرا شوند. نکته مهم در این مبحث، تغییر نگرش مدیران عالی برای پذیرش تدریجی بودن تحول و تن دادن به برنامه‌های عمیق و دیرپازده است؛ علاوه بر آن، زمینه‌سازی برای تحقق یافتن اهداف متعالی سند، به ایجاد تغییرات ساختاری اساسی‌ای همچون به‌وجود آوردن نهادهای جدید و نیز تمرکززدایی و

کاهش تصدیگری اجرایی به منظور افزایش ظرفیت مشارکت پذیری نظام آموزشی نیاز دارد. صاحب نظران بر سر این مسئله متفق اند که برای اجرای موفق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، جلب همکاری های تمام ارگان ها و داشتن نگاه فراقوه ای به تحول در نظام تعلیم و تربیت از طریق تقسیم کار ملی شفاف و برقراری تعاملات محیطی ضرورت دارد و این هدف حاصل نمی شود؛ مگر آنکه آگاهی و شناختی فراگیر در خصوص جایگاه، ارزش و اهداف نظام آموزشی و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در انواع نهادهای حاکمیتی و مدنی ایجاد شود تا زمینه برای تغییر مثبت نگرش ها به آموزش - و پرورش، قرارگیری دغدغه اجرای سند در متن برنامه ها (نه در حاشیه آنها) و نیز ایجاد توافق و مفاهیم سیاستی فراهم آید. در فرایند دستیابی به این مفاهیم سیاستی و سازگاری نهادی، شناسایی و اولویت بندی بازیگران، و تشخیص دادن اهداف، منابع قدرت، منافع و دیدگاه های آنها برای حرکت کردن به سوی انسجام نهادی ضرورت دارد؛ همچنین توجه به استفاده از ظرفیت های قانونی، لازم است؛ زیرا علاوه بر رفع موانع اجرای سند، زمینه برای مشارکت مؤثر بازیگران کلیدی و خنثی کردن اثرهای سوء بی ثباتی در نظام مدیریتی کشور بر تداوم اجرای برنامه ها فراهم می آید.

سیاست گذاران و مدیران عالی نباید نقش مؤثر نخبگان و اندیشمندان تربیتی در تهیه راهبردهای اجرایی را فراموش کنند؛ زیرا مشارکت نخبگان علاوه بر اتقان بخشی به اسناد، گفتمان سازی تحولی به نفع رفع موانع اجرایی را به دنبال دارد. در این حوزه، یکی از مهم ترین زمینه های بهره گیری از ظرفیت های علمی نخبگان، توجه به افزایش استفاده از نتایج مطالعات علمی در سطوح و ابعاد مختلف نظام آموزشی است؛ در نتیجه، ترویج انواع مطالعات سیاستی، راهبردی، عملیاتی و تجربی، و حمایت از این مطالعات در کنار ایجاد فرهنگ پژوهش، ارزیابی و مستندسازی، به شناخت عالمانه وضعیت موجود و چاره جویی برای چگونگی تحقق یافتن وضع مطلوب کمک بسیار می کند.

۲-۳-۲. اصلاحات در سطح مدیریت میانی و عملیاتی

یافته های پژوهش نشان می دهد بسیاری از پیشنهاد های مطرح شده از سوی محققان به حوزه اقدامات اصلاحی در سطح مدیریت میانی و عملیاتی نظام آموزشی اختصاص دارد و در این راستا راهکار کلیدی شناسایی شده، حرکت به سوی حکمرانی اجتماعی است.

تحول با استفاده از بخشنامه و از مسیر اقتدار حاصل نمی‌شود؛ بلکه از طریق گفت‌وگوهایی پیگیر تحقق می‌یابد تا با ایجاد درک متقابل میان بدنه اجرایی نظام آموزشی، مشارکت همه ذی‌نفعان در سطح عملیاتی جلب شود. بدین منظور، لازم است در روابط قدرت حاکم بر نظام آموزشی، تحولی به‌سوی افقی و دوسویه‌شدن روابط، تفویض اختیار به مجریان و شوراهای مدارس، توزیع رهبری، و برقراری فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح مدارس و مناطق آموزشی اتفاق بیفتد؛ زیرا تحول در نظام آموزشی اساساً ماهیتی غیردستوری و غیراقتدارگرایانه دارد و مستلزم بهره‌گیری از رویکرد رهبری برای ایجاد تحول فرهنگی در مدیریت اجرایی سازمان آموزشی است. در چنین وضعیتی فراهم‌آوردن زمینه برای مشارکت ذی‌نفعان در قالب تدوین راهنمای عمل، شناسایی ظرفیت‌های خانواده‌ها و جوامع محلی، شفاف‌سازی حقوق و تکالیف و نقش‌ها، ایجاد شفافیت و دسترسی به اطلاعات ضرورت می‌یابد؛ درعین حال، توجه به واقعیت‌های اجرایی و مواجهه خلاقانه، پویا و هوشمندانه با آن‌ها از بروز بسیاری از موانع اجرایی جلوگیری می‌کند و زمینه را برای حفظ کیفیت برنامه‌ها فراهم می‌آورد.

راهکار بسیار مهم دیگری که موانع را از پیش‌روی برمی‌دارد و وفاق و همکاری را به‌خصوص در سطح مدیریت آموزشی، معلمان و والدین ایجاد می‌کند، آگاهی‌بخشی برای توانمندسازی به‌منظور تحقق‌بخشیدن مشارکت حداکثری است. در این راستا باید معانی نهفته در مفاد سند تبیین و ترویج شوند تا به‌شکل گفتمان رایج در میان بازیگران کلیدی نظام آموزشی درآیند. این مسئله با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی، و برگزارکردن کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی نظری و عملی تسهیل می‌شود. در واقع باید درخصوص برنامه‌های تحولی، مقبولیت‌آفرینی و مشروعیت‌بخشی اتفاق بیفتد تا از فرصت حساسیت عمومی به برنامه‌های آموزشی که زمینه‌ساز مشارکت حداکثری ذی‌نفعان است، بهره‌برداری بهینه شود. این مسئله از طریق ایجاد همخوانی میان مفاد و نحوه اجرای سند با اعتقاد و باور مردم و نیز حمایت‌شدن از سوی هنجارهای اجتماعی و فرهنگ عمومی میسر خواهد شد. علاوه‌بر آنچه گفتیم، نباید فراموش کرد که لازمه تحول‌خواهی، درک ناکارآمدی روندها و روش‌های موجود، و شناخت امیدوارانه گزینه‌های بهینه برای جایگزین‌شدن با پیشی آینده‌نگرانه است؛ در نتیجه، ایجاد فرصت

برای مطرح شدن نقدهای عالمانه از وضعیت موجود و ترسیم امیدآفرین وضعیت مطلوب، راهکاری مؤثر برای دستیابی به این درک روشن‌بینانه به‌شمار می‌آید. در این میان، اصلاح و ارتقای ارزش‌های فرهنگی حاکم بر نظام آموزشی در ارتباط با سرمایه انسانی، جایگاهی ویژه دارد؛ به‌طوری که توجه به منزلت انسان و کرامت نفس او باید در همه جنبه‌های نظام مدیریت منابع انسانی لحاظ شود. یافته‌های پژوهش حاضر، بیانگر تأکید زیاد بر اصلاح نظام جذب و نیز نظام حقوق و پاداش هستند؛ به‌گونه‌ای که لازم است به مؤلفه شایسته‌سالاری در فرایند تربیت، جذب و انتصاب مدیران و معلمان توجه اساسی شود تا در اثر هم‌آیندی تجربه، تخصص، اعتقاد به مبانی سند و تعهد به اجرای آن در تک‌تک مجریان، تحقق یافتن اهداف سند، امکان‌پذیر شود؛ همچنین تنظیم نظامی عادلانه و انگیزه‌بخش برای جبران‌کردن خدمات، پاداش‌دهی، حمایت از نوآوری و خلاقیت، و بهبود مستمر، مسئله‌ای مهم است که به طرح‌ریزی‌های علمی و متقن نیاز دارد. درکنار توجه به ارتقای کیفیت سرمایه‌های انسانی، تأمین منابع مالی کافی و نیز منابع مادی به‌روز و کارآمد، و مهم‌تر از آن، مدیریت مؤثر منابع، ابزاری حذف‌نشده در میان انواع لوازم مانع‌زدایی و ریل‌گذاری حرکت به‌سوی وضع مطلوب است.

از آنجا که تغییر در برنامه درسی را می‌توان قلب تپنده تحول و نماینده تصویر بیرونی از تغییرات درونی برای مخاطبان دانست، لازم است اصلاحاتی برای متناسب‌کردن و گاه کاهش دادن حجم کتاب‌های درسی، و افزایش دادن توجه به مهارت‌آموزی، هویت‌گرایی و مردم‌سالاری دینی در برنامه درسی، چه از منظر آموزشی و چه به‌لحاظ پرورشی صورت گیرد تا اهداف تربیتی در ساحت‌های مختلف وجودی، کاملاً محقق شوند.

۳-۲. انجام‌دادن اصلاحات در روند نظارت و ارزیابی در همه سطوح

عرضه مهم دیگری که توفیق در اجرای سند به کارایی و اثربخشی فرایندهای آن بستگی دارد، نظارت و ارزیابی در همه سطوح نظام آموزشی است. موفقیت در این مقوله در سطح راهبردی، مرهون رصد مستمر محیط، و مراقبت از روندها و فرایندهای در معرض آسیب همچون میزان مردودی، پوشش تحصیلی، تغییر کتب درسی و انگیزه معلمان درکنار پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری نهادی است؛ همچنین باید یک نظام هدفمند برای نظارت و ارزیابی با شاخص‌های معین کمی و کیفی طراحی شود که خودکنترلی و بازخورددهی

در آن، جایگاهی ویژه داشته باشد؛ در نتیجه، نظارت بر اجرای سند در مدارس، حل کردن مشکلات عملیاتی، و کارآمدی و هماهنگی ساختارها و شیوه‌های نظارت اهمیت می‌یابد.

۴-۲. پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی ناظر به محتوای سند

به‌منظور رفع موانع اجرایی ناشی از ضعف در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، براساس یافته‌های پژوهش، چند دسته پیشنهاد اصلاحی برگرفته از روند تحلیل مضامین را در جدول ۷ به‌دست داده‌ایم.

جدول ۷. فرایند کدگذاری برای تحلیل مضامین یافته‌های پژوهش‌ها به‌منظور عرضه پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی ناظر به محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مضمون فراگیر ۱. اصلاح کلیت متن سند		
پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
عظیمی، ۱۳۹۹؛ هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵؛ دیزوی، ۱۳۹۳؛ عقدایی، ۱۳۹۴	اصلاح چشم‌انداز سند با درج ویژگی‌های ملموس و عینی برای نظام آموزشی - تدوین راهکارهای ساده و قابل اجرا - تلاش برای نزدیک کردن نظریه و عمل - تلاش برای تصریح بیشتر اهداف و جهت‌گیری‌ها - شفافیت و صراحت در چگونگی تربیت انسان خدامحور در عرصه عمل - پرهیز از کاربرد اصطلاحات دارای کژتابی در متن سند	صراحت، عینیت‌بخشیدن و ساده‌کردن اهداف و راهکارها
مضمون فراگیر ۲. اصلاح روش‌شناسی تدوین سند		
پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
مرزوقی، عقیلی و مهرورز، ۱۳۹۵؛ عقدایی، ۱۳۹۴؛ دیزوی، ۱۳۹۳	- ضرورت تدوین سند مبتنی بر مطالعات روشمند و نظام‌مند - توجه به تضادها و تعارض‌های رویکردی در اسناد رسمی و تلاش برای حل این تعارض‌ها بر مبنای نظام ارزشی و فلسفه حاکم - اتخاذ رویکرد صریح در خصوص علوم تجربه‌گرایانه غربی	از میان بردن تعارض‌های موجود در رویکرد اسلامی، علمی و فلسفی
مضمون فراگیر ۳. اصلاح مبانی و مفاهیم نظری سند		
پژوهش	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
مرادی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۹؛ کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ نویدآدم و راغب، ۱۳۹۹؛ تقوی‌نسب و	- بازنگری، تنقیح و تدقیق مفاهیم اصلی به‌کاررفته در سند - تأکید واقعی بر تمرکززدایی در ساختار و محتوا - ضرورت عرضه دیدگاهی روشن و هماهنگ در خصوص دانش و خروجی آن	از بین بردن ابهام‌ها، ناسازگاری‌ها و تعارض‌های درونی موجود در مفاهیم اصلی

کریمی، ۱۳۹۷؛ عباسی، ماهر وزاده، سجادی و عدلی، ۱۳۹۸؛ محمودی، ۱۳۹۹	- توجه متوازن به مؤلفه‌های هویت دینی و انقلابی (به‌ویژه معاد و عدل در بُعد اعتقادی و مفاهیم ایثار و شهادت)
پله، ۱۳۹۴؛ صفار حیدری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۳	- توجه به واقعیت‌های اجتماعی در زمینه چندفرهنگی در زمینه‌سازی برای برقراری انواع عدالت تربیتی
	- توجه به نیازهای نو و ضرورت‌های عملی جامعه کنونی به‌جای کوشش‌های صرفاً متافیزیکی در تدوین سند برای دستیابی به عدالت
	- مطرح کردن نظریه‌ای از عدالت به‌منظور برآوردن نیازهای مادی و معنوی مبتنی بر سنت معنوی و عرفانی اسلامی
ایزدینا، ۱۳۹۶	- ضرورت نقد و تحلیل سند برپایه گفتمان‌های غیررسمی تضمین چندصدایی
	- بازنگری در مبانی نظری سند برای تضمین شفاف چندصدایی
کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ تقوی‌نسب و کریمی، ۱۳۹۷	- ضرورت توجه به پدیده شهروند جهانی در تربیت معلمان و دانش‌آموزان
	- ضرورت توجه بیشتر به نوآوری و پویایی در برابر تغییرات آینده
	- تقویت چشم‌انداز آینده‌نگرانه، و به‌دست‌دادن اهداف و راهکارهایی برای توسعه مهارت‌های آینده‌نگری در معلمان و دانش‌آموزان
اکبری، ۱۳۹۳؛ خطیبی، ۱۳۹۴؛ کریمی، مرزوقی، محمدی، مزیدی و تقوی‌نسب، ۱۳۹۹؛ تقوی‌نسب و کریمی، ۱۳۹۷؛ بی‌طرفان، سجودی و دهقانی، ۱۳۹۹	- توجه بیشتر به بُعد عاطفی و نگرشی در ساحت تربیت دینی
	- صراحت‌بخشیدن به روش‌های تربیت دینی در ابعاد مختلف وجودی آن‌ها
	- بازنگری در محتوای سند به‌منظور توجه بیشتر به ساحت تربیت فنی و حرفه‌ای
	- ضرورت توجه بیشتر به پرورش دادن مهارت‌های زیست-محیطی با محوریت آینده
	- ضرورت بازنگری تخصصی در ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناختی

۱-۴-۲. اصلاح کلیت متن سند

نخستین پیشنهاد برای رفع موانع ناظر به اصلاحات محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تأکید بر انجام دادن اصلاحاتی در کلیت متن این سند است که از طریق

صراحت‌بخشیدن، عینی‌کردن و ساده‌کردن اهداف و مفاهیم مطرح در سند، امکان‌پذیر خواهد بود. در نظر گرفتن ویژگی‌هایی ملموس، عینی و تعریف‌شده برای نظام آموزشی مطلوب و اجزای آن، موجب کاهش یافتن فاصله میان نظر و عمل می‌شود و کم‌شدن ابهام‌ها و کژفهمی‌های آسیب‌زا را به دنبال دارد.

۲-۴-۲. اصلاح روش‌شناسی تدوین سند

بدین منظور، لازم است مطالعات اسلامی، علمی و فلسفی پشتیبان برای تدوین سند به نحوی نظام‌مند سامان یابد تا احتمال بروز هرگونه تعارض، التقاط و اغتشاش در رویکردهای مبنایی روش‌شناسانه از بین برود و به‌گونه‌ای درخور، مبتنی بر نظام ارزشی و روش فلسفی متقن به نقدهای وارد شده بر چالش‌های روش‌شناختی سند پاسخ داده شود.

۳-۴-۲. اصلاح مبانی و مفاهیم نظری سند

در این حوزه، براساس یافته‌های پژوهش، چندین پیشنهاد بدین شرح را می‌توان مطرح کرد: از طریق بازنگری، تنقیح و تدقیق مفاهیم اصلی به‌کاررفته در سند (همچون تمرکززدایی، دانش و هویت) می‌توان ابهام‌ها، ناسازگاری‌ها و تعارض‌های درونی میان این مفاهیم را مرتفع کرد؛ به‌علاوه، لازم است برای حرکت کردن به سوی برقراری عدالت در انواع و ابعاد مختلف آن، به واقعیت‌های اجتماعی در حوزه تنوع و تکثر فردی، فرهنگی و قومی، و تأثیرها و جایگاه این تنوع در نظام تربیتی و همچنین نیازهای نو و ضرورت‌های عملی جامعه کنونی، بیشتر توجه شود؛ افزون بر آن، طراحی نظریه‌ای از عدالت مبتنی بر سنت معنوی و عرفانی اسلامی به‌منظور برآوردن نیازهای مادی و معنوی بشر امروز، راهگشا خواهد بود.

تضمین چندصدایی در حوزه نقد و بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی آن نیز ضرورت دارد؛ زیرا نقد و تحلیل سند توسط گفتمان‌های غیررسمی از یک سوی، باعث آشکار شدن سوگیری‌ها و کاستی‌های سند می‌شود و از سوی دیگر، امکان صورت‌گرفتن گفت‌وگوهای بیناگفتمانی را فراهم می‌آورد و از یکه‌تازی گفتمانی جلوگیری می‌کند؛ به‌علاوه، بر افزایش یافتن توجه به پدیده‌های نو همچون شهروند جهانی و آینده‌نگری در تربیت معلمان و دانش‌آموزان تأکید می‌شود تا از این رهگذر، توانایی نوآوری، پویایی و نقش‌آفرینی فعال در برابر تغییرات آینده در افراد جامعه تقویت شود.

در نهایت، ضرورت بازنگری در مفاد ساحت‌های تربیتی مطرح شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان آخرین راهکار برخاسته از یافته‌های پژوهش، مطرح است. این بازنگری‌ها باید در ساحت‌های مختلف و به منظور از میان بردن ناهماهنگی‌ها، ابهام‌ها و ضعف‌های سند صورت گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تردید، کوشش برای تدوین سندی به منظور ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی کشور، یک حرکت روبه‌جلو و پرفرازونشیب است؛ از این روی، برای علم‌یافتن به میزان تحقق واقعی اهداف تعریف شده در سند باید پژوهش‌هایی صورت گیرند که با نگاه به گذشته، فعالیت‌های انجام شده در این حوزه را ارزیابی کنند و هم‌زمان، تدابیری را برای آینده بیندیشند؛ علاوه بر آن نباید از بررسی‌های تحلیلی و مفهومی اسناد تحولی غافل شد؛ زیرا چنین تحقیقاتی راه را برای اصلاح و تکمیل این اسناد، گفتمان‌سازی درخصوص آن‌ها و توافق برسر آن‌ها هموار می‌کنند. اهمیت این مسئله از آن جهت است که هرگونه ابهام، پیچیدگی در به‌کارگیری مفاهیم و نیز ناسازگاری، انسجام‌نداشتن و جامع نبودن مفاد سند، سبب بروز دشواری در اجرای آن خواهد شد. در این حوزه، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی در حیطه آموزش رسمی عمومی، نیازمند وجود داده‌هایی غنی و واقعی است که به کاهش یافتن خطا و اطمینان‌نداشتن می‌انجامد؛ لذا پژوهش حاضر به منظور بررسی نتایج پژوهش‌های مرتبط با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکرد فراترکیب یافته‌های کیفی حاصل از تحقیقات انجام شده طی یک دهه اخیر در ایران صورت گرفته و در آن، پاسخ‌گویی به دو سؤال، مورد نظر بوده است.

در پاسخ به سؤال اول مبنی بر توصیف وضعیت پراکندگی موضوعی پژوهش‌های انجام شده، پس از انجام دادن غربالگری در عناوین و چکیده‌های پژوهش‌ها نتیجه گرفتیم ۲۶۴ تحقیق کیفی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ انجام شده‌اند که یا طراحی و اجرای آن‌ها به صورت مستقیم و مبتنی بر اسناد تحولی صورت گرفته و یا به نحو غیرمستقیم در بخشی از آن‌ها به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یکی از منابع تحلیل شده مراجعه شده است. بیش از نیمی از مطالعات صورت گرفته به نوعی با زیرنظام‌های مطرح در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مرتبط بوده‌اند و در نیم دیگر از مطالعات، با استفاده از

رویکردهای درون‌متنی یا برون‌متنی، مفاهیم متعددی در سند مورد بحث مطالعه شده است؛ همچنین در تعدادی محدود از تحقیق‌ها بررسی و نقد اجرای سند یا بهره‌گیری از آن به‌عنوان مرجعی برای بررسی‌های کیفی در موضوعات مختلف، مورد نظر بوده است.

در بررسی‌های انجام‌شده در خصوص زیرنظام‌های سند، زیرنظام برنامه‌دستی با تأکید بر تحلیل کتب درسی و پس از آن، زیرنظام تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، بیشترین حجم مطالعات را به خود اختصاص داده است؛ در مقابل، موضوعات مرتبط با زیرنظام‌های تأمین منابع مالی، فضا، تجهیزات، فناوری و نیز پژوهش و ارزشیابی، کمتر مورد توجه بوده‌اند و جای خالی پژوهش در این حوزه‌ها به وضوح مشاهده می‌شود.

در توضیح درباره اهمیت پژوهش‌هایی با رویکرد درون‌متنی و برون‌متنی می‌توان گفت مفاهیم درون‌متنی، محور کار تحقیق‌هایی بوده‌اند که در آن‌ها تلاش شده است با استفاده از مفاهیم برخاسته از سند و رویکرد تربیتی حاکم بر آن، به درک بهتری از ساختار مفهومی سند کمک و ابعاد و پیامدهای نهفته آن کشف و نشان داده شود؛ همچنین برخی از این پژوهش‌ها در مسیر نظام‌سازی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اجرایی شدن مقولات نظری سطح بالا و انتزاعی سند گام برداشته‌اند؛ در مقابل، مفاهیم برون‌متنی که برخاسته از مسائل و دغدغه‌های روز و کاربردی علوم تربیتی هستند، محور پژوهش‌هایی بوده‌اند که به منظور کشف میزان و نحوه توجه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اهداف و نقد دلالت‌های سند در آن حوزه‌های خاص انجام شده‌اند. توجه به نتایج و پیشنهاد‌های ذکر شده در این تحقیق‌ها به شناسایی کاستی‌های سند و رفع آن‌ها در آینده کمک می‌کند. در برخی پژوهش‌ها نیز به‌طور کلی، فهم و نقد رویکرد فلسفی سند در کلیت آن یا مرتبط با زمینه‌هایی خاص، مورد نظر بوده است. این پژوهش‌ها از آن جهت اهمیت دارند که بسیاری از کاستی‌ها و موانع اجرایی موجود در آن‌ها ناشی از کژتابی‌های فلسفی و روش-شناختی اسناد بالادستی هستند و تا وقتی این ناسازگاری‌ها تحلیل و اصلاح نشوند، عمل تربیتی اصلاح نخواهد شد.

بررسی کتاب‌های نگاشته‌شده درباره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نشان می‌دهد در دهه اخیر، تلاشی چشمگیر در این حوزه، چه از سوی سیاست‌گذاران آموزشی و دست‌اندرکاران تدوین سند و چه از جانب منتقدان آن صورت نگرفته است. این مسئله،

انفعال نویسندگان منتقد در عرصه تعلیم و تربیت و فرصت‌سوزی در استفاده از ظرفیت حوزه نشر کتاب برای معرفی سند، گفتمان‌سازی و شکل‌دادن به ادبیات تحول در نظام آموزشی را نشان می‌دهد.

به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤال دوم تحقیق مبنی بر استخراج امکانات و فرصت‌های برخاسته از نتایج پژوهش‌های موردبررسی برای سیاست‌گذاری و اجرای سند، نتایج تحلیل مضامین ۳۵ پژوهش منتخب پس از غربالگری محتوا موردتوجه قرار گرفته است. در این راستا، بررسی نتایج و محتوای پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد محققان درقبال سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اجرای آن، دو گونه موضع‌گیری پژوهشی داشته‌اند: یکی از نوع سلبی و دیگری از نوع ایجابی. نتیجه تحلیل هردو گونه در شناسایی موانع اجرای سند، چه در عرصه اجرا و چه ناشی از ضعف‌های محتوایی، و نیز به‌دست‌دادن پیشنهادها و راهکارهایی برای بهبود و اصلاح این جریان، مؤثر و مفید است. درنهایت، براساس یافته‌های پژوهش، از جمله مهم‌ترین موانع اجرایی شدن سند که در چهار مضمون فراگیر، شامل موانع اجرای برخاسته از ضعف در کلیت متن سند، موانع اجرا در سطح کلان و سیاست‌گذاری، موانع اجرا در سطح میانی و عملیاتی، و ضعف در نظارت و ارزیابی در همه سطوح بازآرایی شده‌اند، عبارت‌اند از: آرمان‌گرایی و کلی‌گویی، کامل-انگاری، کم‌توجهی به وضعیت موجود، تلخیص‌نکردن مفاد سند، اولویت‌بندی نکردن مراحل اجرا، وجود نداشتن اجماع نظری و صراحت عملی میان نهادها و بازیگران، بی-نظمی و نبودن توازن علمی در اولویت‌بندی و اجرای برنامه‌ها، شتاب‌زدگی، شخص-محوری به جای برنامه‌محوری، تفهیم‌نشدن مسائل به ذی‌نفعان، جدیت‌نداشتن مجریان، ترغیب‌نشدن مجریان، کمبود نیروی انسانی مناسب به لحاظ کمی و کیفی، ضعف منابع مالی و مادی و مدیریت آن، تمرکز ساختاری، ضعف در تغییر برنامه درسی، تعارض داشتن ارزش‌های فرهنگی رایج و مسلط با اهداف و ارزش‌های سند، جلب‌نشدن مشارکت ذی‌نفعان، و صورت‌نگرفتن ارزیابی فرایندی و شاخص‌محور.

علاوه بر این موارد، چالش‌های مفهوم‌شناختی و روش‌شناختی در تدوین سند، انتقادهای متعددی را از سوی صاحب‌نظران و محققان در حوزه تعلیم و تربیت برانگیخته است. نتیجه فراترکیب نقدهای محتوایی واردشده بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

را می‌توان در قالب مضامینی فراگیر همچون نقد محتوایی به کلیت متن سند، نقد روش-شناسی تدوین، و نقد مبانی و مفاهیم نظری بیان کرد. عناصر معنایی سازنده این مضامین عبارت‌اند از: آرمانی‌بودن، پیچیدگی و شفاف نبودن مفاهیم (ضعف در اتصال نظر به عمل)، التقاط روش‌شناختی، رعایت‌نشدن اسلوب سندنویسی، ضعف روش فلسفی، وجود داشتن تعارض نظری در سند، تناقض درونی درباره تمرکز، ایدئولوژی‌گرایی، ابهام در نقش ذی‌نفعان، ضعف در تبیین عدالت جنسیتی، عقل‌محوری، کم‌توجهی به تنوع فردی و فرهنگی، ضعف در تبیین عملی عاملیت متربی، ضعف نظری در مفاهیم اصلی، غفلت از آموزش غیررسمی، و نقد محتوای ساحت‌های تربیتی.

نگارندگان این مقاله به نتایج پژوهش‌های تحلیل‌شده در تحقیق حاضر، انتقادهایی دارند؛ اما در این مجال محدود، فرصتی مناسب برای پاسخ‌گویی به نقدهای مطرح‌شده در خصوص نحوه اجرای سند و به‌ویژه محتوای آن وجود ندارد؛ از این روی، لازم است این مسئله مهم به پژوهشی جداگانه مؤکول شود و به صاحب‌نظران مسلط در حوزه تدوین و اجرای سند و نیز طرفداران محتوای مطرح‌شده در آن پیشنهاد می‌شود به نقدهای مطرح‌شده پاسخی متقن و علمی بدهند تا از طریق شکل‌گیری یک دیالکتیک علمی، گامی در مسیر رفع ابهام‌ها و حرکت به سوی تحقق یافتن اهداف متعالی نظام تربیت رسمی عمومی برداشته شود.

در نهایت، راهکارهای اصلاحی‌ای که می‌توان مبتنی بر یافته‌های تحقیق به دست داد، شامل موارد زیر است:

الف) اصلاح در سطح مدیریت عالی و سیاست‌گذاری، شامل تنظیم نقشه راه، نهادسازی، پذیرش تدریجی بودن تحول، لزوم جلب مشارکت همگانی و نگاه فراقوه‌ای، تمرکززدایی، فراهم آوردن پیش‌نیازهای قانونی و علمی و نگرشی مشارکت، گفتمان‌سازی نخبگانی، برنامه‌ریزی و استقبال از پژوهش‌ها.

ب) اصلاح در سطح مدیریت میانی و عملیات، شامل رهبری فرهنگی، حکمرانی اجتماعی، تمرکززدایی، خلاقیت و شفافیت در فرایندها، زمینه‌سازی برای مشارکت ذی‌نفعان، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی، بهبود فرهنگ سازمانی براساس ارزش‌های اسلامی، اصلاح نظام حقوق و پاداش، اصلاح نظام جذب و انتصاب و ارتقا، تأمین منابع

مالی و مادی کافی و بهینه‌سازی مدیریت آن، اصلاح حجم و توازن درس‌ها، اصلاح محتوای آموزشی و پرورشی برای انطباق بیشتر با مفاد سند.

ج) اصلاح روند نظارت و ارزیابی در همه سطوح، شامل رصدکردن نحوه اجرا و پاسخ‌گویی راهبردی، و طراحی نظام ارزیابی.

د) اصلاح کلیت متن سند، شامل صراحت، عینیت‌بخشیدن و ساده‌کردن اهداف و راهکارها.

ه) اصلاح روش‌شناسی تدوین سند، شامل رفع تعارض‌ها در مواجهه با رویکرد اسلامی، علمی و فلسفی.

و) اصلاح مبانی و مفاهیم نظری سند، شامل رفع ابهام‌ها و ناسازگاری‌ها و تعارض‌های درونی در مفاهیم اصلی، زمینه‌سازی برای برقراری انواع عدالت، تضمین چندصدایی، توجه به پدیده‌های نو و آینده‌نگری، و بازنگری در مفاد ساحت‌های تربیتی.

در پایان پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و اصلاح‌کنندگان سند، در بازبینی متن و اصلاح روند اجرای آن، به محورهای پیش‌گفته توجه کنند و در این راستا، درصدد شکل‌دادن به یک دیالکتیک علمی باشند تا پژوهشگران، صاحب‌نظران دانشگاهی و عاملان اصلی ایجاد تغییر در نظام آموزشی با عرضه نظرات خود، به بهبود کیفیت سند کمک کنند و از سوی دیگر، فهم بهتری از ظرفیت‌ها و مفاهیم آن در جامعه علمی و در عرصه عملیاتی شکل گیرد. انتظار می‌رود از طریق توجه به نقدها و راهکارهای عرضه‌شده بتوان بخشی مهم از موانع پیش‌روی در اجرای سیاست‌های کلان آموزشی را در کشور ریشه‌یابی و رفع کرد.

منابع

- اخلاقی، آذینا؛ صالح صدق‌پور، بهرام؛ و نویدآدم، مهدی (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی اجرای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق ۱۴۰۴. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۳۴، ۸۰-۵۶.
- اکبری، معصومه (۱۳۹۳). بررسی تربیت دینی با توجه به اسناد تحول در آموزش و پرورش. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
- ایزدپناه، امین (۱۳۹۶). گفت‌وگومندی و چندصدایی در تعلیم و تربیت رسمی ایران. (رساله دکتری). دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- برادران حقیر، مریم؛ و نیری‌پور، زهرا سادات (۱۳۹۸). مدرسه صالح، کانون تحقق حیات طیبه با تأکید بر جامعه محلی. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۲، ۲۵-۴۶.
- بصیرتی برزکی. زهرا (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی اهداف اقتصادی - حرفه‌ای سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت ایران و نظام آموزشی ژاپن (MEXT) در مقطع ابتدایی و راهکارهای اجرایی آن. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
- بنیادی، حجت‌الله؛ فانی، علی‌اصغر؛ و سیدجوادین، سید رضا (۱۳۹۷). طراحی و تبیین الگوی شایستگی مدیران مدارس بر مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دیگر اسناد بالادستی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۷(۲)، ۱۱۳-۱۴۴.
- بی‌طرفان، فاطمه سادات؛ سجودی، مرجان؛ و دهقانی، مرضیه (۱۳۹۹). بررسی موانع اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس مدل فولن: موردکاوی ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۶۷، ۱۱۰-۹۰.
- پله، امیر (۱۳۹۴). تبیین فلسفه تربیت چندفرهنگی برای نظام تربیتی ایران و تحلیل و ارزیابی سیاست‌های تربیتی موجود بر مبنای آن. (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- تقوی‌نسب، سیده نجمه؛ و کریمی، محمدحسن (۱۳۹۷). نگاهی تطبیقی به مضامین تعلیم و تربیت آینده‌گرا و مؤلفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۱۹، ۸۵-۹۸.
- ثباتی، محمدرضا (۱۳۹۶). بررسی مبانی فلسفی تربیت معنوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
- حاجی‌بابایی، حمیدرضا (۱۳۹۱). ویژگی‌های مدرسه‌ای که دوست دارم با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. *نوآوری‌های آموزشی*، ۴۲، ۵۱-۷۴.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول.../لیلا بختیاری و مرضیه دهقانی ۴۵

حاجی‌لو مهدی‌پور، نسرین (۱۳۹۳). فلسفه تربیت بدنی در اسناد تحول بنیادین نظام تربیت رسمی عمومی و رهگیری آن در برنامه درسی تربیت بدنی دوره ابتدایی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

خطیبی، مهسا (۱۳۹۴). فلسفه تربیت فنی و حرفه‌ای از منظر قرآن و روایات ائمه اطهار- علیهم السلام- و تحلیل محتوای سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی براساس آن. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

دهقانی، مرضیه؛ سلیمانی دره‌باغی، فاطمه؛ و فرجی، محدثه (۱۳۹۶). مطالعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۵(۹)، ۳۶-۵.

دیزوی، صفا (۱۳۹۳). تحلیل مبانی فلسفی سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
رجایی، ملیحه (۱۳۹۹). تبیین تربیت مبتنی بر گفت‌وگو با رویکرد اسلامی و نقد و بررسی ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در مبانی نظری سند تحول بنیادین بر مبنای آن. (رساله دکتری). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

رحیمی، طاهره (۱۳۹۵). بررسی نگرش والدین دانش‌آموزان متوسطه اول نسبت به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

صفار حیدری، حجت؛ و حسین‌نژاد، رزا (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی: نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۱)، ۷۲-۴۹.

عباسی، منصوره؛ ماهرزاده، طیبه؛ سجادی، سید مهدی؛ و عدلی، فریبا (۱۳۹۸). تبیین فلسفی رویکرد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به دانش و نقد دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۵(۴)، ۷-۳۴.

عظیمی، محمد (۱۳۹۹). بررسی و تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد نظام آموزش و پرورش در اجرای سند تحول بنیادین. پویا در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، ۵(۱۹)، ۸۳-۱۰۰.

عقدایی، مرضیه (۱۳۹۴). تحلیل رویکرد اسناد رسمی نظام آموزش و پرورش به جهانی‌شدن و واکاوی جایگاه آموزش برای شهروندی جهانی در این اسناد. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).

- دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
- فرزی، شهناز (۱۳۹۷). بررسی جایگاه تربیت هنری در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
- فرمehینی، الهام (۱۳۹۷). شناسایی درک مدیران مدارس از مفهوم «حیات طیبه» در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سازوکارهای تحقق آن در مدارس ابتدایی شهر تهران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
- فرمehینی فراهانی، محسن؛ حسینی، فاطمه؛ و احمدآبادی آرانی، نجمه (۱۳۹۸). بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۲، ۷۹-۱۰۴.
- قجری، ناصر؛ مزیدی، محمد؛ و شمشیری، بابک (۱۳۹۹). واکاوی و فهم اهم چالش ها و موانع عملی پیش رو در تحقق سند تحول بنیادین با تمرکز بر زیرنظام های اصلی آن. پژوهش های برنامه درسی، ۱۰(۱)، ۱-۳۳.
- قوی دست، اردشیر (۱۳۹۷). تحلیل مؤلفه های تربیت شهروندی در اسناد تحولی آموزش و پرورش و مقایسه آن با مؤلفه های تربیت شهروندی دموکراتیک در دیدگاه پراگماتیسیم. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- کریمی، محمدحسن؛ مرزوقی، رحمت الله؛ محمدی، مهدی؛ مزیدی، محمد؛ و تقوی نسب، سیده نجمه (۱۳۹۹). بررسی الزامات تعلیم و تربیت از منظر رویکرد آینده گرایی با توجه به اسناد توسعه جمهوری اسلامی ایران. تعلیم و تربیت، ۳۶(۳)، ۹-۲۸.
- محمدی، طالب؛ حسینی، رفیق؛ و محمدی، مجید (۱۳۹۸). مدل بومی ارتقای آگاهی و نگرش معلمان استان کردستان نسبت به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تدریس پژوهی، ۷(۳)، ۲۶۴-۲۴۳.
- محمودی، سیروس (۱۳۹۹). بررسی جایگاه هویت دینی و انقلابی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۴۷، ۱۵۹-۱۸۲.
- مرادی، مصطفی؛ و باقری نوع پرست، خسرو (۱۳۹۹). تحلیل و نقد مفهوم «هویت» در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۱۰(۱)، ۱۵۶-۱۳۶.
- مرزوقی، رحمت الله؛ عقیلی، رضا؛ و مهرورز، محبوبه (۱۳۹۵). تحلیل و نقد نظری و روش شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ا. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲، ۲۱-۴۰.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با سند تحول .../لیلا بختیاری و مرضیه دهقانی ۴۷

مظاهری، حسن؛ موسی‌پور، نعمت‌الله؛ و ناطقی، فائزه (۱۳۹۶). نقش خانواده در برنامه‌داری شایستگی‌محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. *خانواده و پژوهش*، ۳۴، ۷-۳۲.

نجفی، ابراهیم؛ و احمدی، حسین (۱۳۹۱). اهمیت، نقش و کارکرد خانواده از دیدگاه اسلام و بررسی جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *خانواده و پژوهش*، ۱۴، ۷-۳۰. نویدآدم، مهدی (۱۳۹۱). الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش. *راهبرد فرهنگ*، ۱۷ و ۱۸، ۲۹۵-۳۲۴.

نویدآدم، مهدی؛ و راغب، فاطمه (۱۳۹۹). طراحی مدل اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۰(۱)، ۶۷-۸۴.

نویدپور، فاطمه (۱۳۹۶). *شناسایی موانع اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران بر مبنای روش‌شناسی کیو. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

هدایتی، فرشته؛ و خوارزمی، رحمت‌الله (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول بر اساس مبانی مدیریت تحول سازمانی. *راهبرد توسعه*، ۴۵، ۲۴۰-۲۵۹.

همتی‌فر، مجتبی؛ و آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۲). ارائه الگوی ارزیابی سازواری نظریه ترکیبی در فلسفه تعلیم و تربیت: بررسی موردی سازواری «فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران» در سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۳(۲)، ۲۵-۴۸.

یداللهی، انور؛ یاوری، اسدالله؛ و زارعی، محمدحسین (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی رویکرد سند ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران به عدالت آموزشی جنسیتی. *پژوهش حقوق عمومی*، ۶۵، ۱۶۹-۱۹۶.

Beck, C. T. (2002). Mothering Multiples: A Meta-Synthesis of Qualitative Research. *MCN: The American Journal of Maternal/Child Nursing*, 27(4), 214-221. DOI: 10.1097/00005721-200207000-00004.

Sandelowski, M.; and Barroso, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. New York: Springer.

Zimmer, L. (2006). Qualitative Meta-Synthesis: A Question of Dialoguing with Texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3), 311-318.